

پیام نشست وسیع کمیته مرکزی حزب توده ایران به زنان دلیر و پیکارگر میهن مان! فرخنده باد هشتم مارس، روز همبستگی جهانی زنان!



فرخنده باد هشتم مارس (۸ مارس)،
روز همبستگی جهانی با مبارزات زنان!
پیروز باد مبارزه زنان قهرمان میهن مان
علیه استبداد و تبعیض جنسی حاکم!



زنان آگاه و دلیر ایران
پلنوم کمیته مرکزی حزب توده
ایران، پرشورترین درودهای خود را
نثار شما، غرور آفرینان آوردگاه پیکار
با کهنه پرستی و کهنه پرستان می
کند. درود ما بر شما قهرمانان که با
رزم جسورانه و مبتکرانه خود، خواب
راحت را از چشمان واپسگرایان خرافاتی
و خرافه پرستان تاریک ترین
دالانهای تاریخ، ربوده اید. پیکار
حماسی شما زنان آزادیخواه ایران،
برای رسیدن به حقوق برابر با مردان
و رویدن هنجارها و بسترهای
فرهنگی و اجتماعی واپس مانده که
پدیدآورنده نابرابری های جنسیتی
اند، یکی از ستایش برانگیزترین پهنه های پیکار عمومی مردم ایران با رژیم ولایتی و

ادامه در صفحه ۳

نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۱۰۹۸، ۱۲ اسفند ۱۳۹۸
دوره هشتم، سال سی و شش



نشست (پلنوم) وسیع کمیته مرکزی
حزب توده ایران با شرکت اعضای کمیته
مرکزی و مسئولان حزبی، در ماه اسفند
۹۸ برگزار شد. نشست وسیع کمیته
مرکزی نخست گزارش هیئت سیاسی
درباره مهم ترین تحولات ایران و جهان
در فاصله نشست قبلی تا این نشست را

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره برگزاری نشست وسیع کمیته مرکزی حزب

بررسی و آن را با در نظر گرفتن پیشنهادهای تکمیلی و اصلاحی تصویب کرد.
نشست وسیع کمیته مرکزی حزب در بحث و بررسی خود پیرامون اوضاع حساس و
بحرانی کنونی کشور و ضرورت تلاش برای همکاری عملی هرچه بیشتر نیروهای
مترقی و آزادی خواه کشور در پیکار با استبداد حاکم، کمیته ای را برای بررسی

ادامه در صفحه ۳

نگاهی فراتر از انتخابات فرمایشی ولی فقیه به تحولات فراروی کشور

پاسخ قاطع و "نه تاریخی" اکثر مردم
کشورمان به دیکتاتوری ولایتی در رابطه
با نمایش یازدهمین دوره "انتخابات
مجلس شورای اسلامی" مؤید این
واقعیت است که سران حکومت و در
راس آنان ولی فقیه، خامنه ای، و
کارگزارانش نزد اکثر مردم به لحاظ
سیاسی بی اعتبار شده اند. این درحالی
است که در چند سال اخیر کشور ما
دائماً با طیفی جدید از بحران ها و
مشکل های روزافزون مواجه می شود
که اساساً بارشان بر دوش مردم
سنگینی کرده و تا وقتی که شرایط
کنونی حاکم است همچنان بر دوش
مردم نهاده خواهد شد.

روشن است که سران "نظام"،
کارگزارانش، و دستگاه های دولتی از
پیش گیری، مدیریت، و حتی تخفیف
این بحران ها عاجزند و به این منظور هر
چه بیشتر به دروغ گویی و پردرپوشی
متوسل می شوند. ناتوانی مهار کردن
بحران ناشی از شیوع ویروس کرونا
یکی از نمونه های بارز این عجز است.
مهم اینکه اکثر مردم نیز به ناتوانی های
حکومت آگاه اند و نیک می دانند که
تصمیم ها و فرمان ها عملکرد
خامنه ای و دستگاه ولایتی اش که
در حکم

ادامه در صفحه ۶

پیش به سوی تدارک و برگزاری هفتمین کنگره حزب توده ایران

رفقای گرامی، ششمین کنگره حزب توده ایران در اسفندماه ۱۳۹۱ برگزار شد. نشست وسیع کمیته مرکزی حزب
توده ایران در اسفندماه ۹۸ پس از بحث و بررسی ای همه جانبه تصویب کرد کار تدارک و سازمان دهی برگزاری
هفتمین کنگره حزب توده ایران، به منظور بررسی و تدقیق برنامه و سیاست های حزب در شرایط بغرنج کنونی، آغاز
گردد. نشست وسیع کمیته مرکزی، کمیسیون های تنظیم اسناد و کار تدارک کنگره را انتخاب کرد و قرارهایی
مشخص برای پیش برد کار برگزاری کنگره به تصویب رساند. نشست وسیع کمیته مرکزی بر این اعتقاد است که
انتشار علنی طرح برنامه نوین حزب پیش از برگزاری کنگره هفتم به منظور نظروااهی رفقا، هواداران، و دوستان
حزب، همچنان که روند برگزاری ششمین کنگره حزب نشان داد، می تواند بسیار مفید باشد.

نشست وسیع کمیته مرکزی حزب توده ایران
اسفندماه ۱۳۹۸

پیام نشست وسیع کمیته مرکزی حزب توده ایران به مردم ایران به استقبال صدمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست ایران

ضمیمه کارگری «نامه
مردم»، شماره ۳۰
منتشر شد!

بیانیه حزب توده ایران: تاریک اندیشی، بی کفایتی، و دروغ گویی سران
جمهوری اسلامی در برخورد با خطر جدی همه گیری ویروس کرونا ص ۹
مقابله با همه گیری کورونا نیاز به شفافیت و تلاش جمعی دارد ص ۱۰
بیانیه حزب توده ایران: نتیجه انتخابات فرمایشی، پاسخ قاطع مردم به
ولی فقیه و حکومت ورشکسته جمهوری اسلامی ص ۱۱

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم ولایت فقیه!



با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری
برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم ولایت فقیه!

واقعیت است که تا این حکومت ضد مردمی و این نظام سیاسی استبدادی قرون وسطایی در ایران پابرجاست، نمی‌توان به تحقق خواست‌ها و حقوق مردم برای داشتن امنیت و آسایش و زندگی شایسته امیدوار بود.

شایان توجه است که میهن ما در دو سال گذشته شاهد اعتراض‌های مداوم و فزاینده قشرهای گوناگون اجتماعی بر ضد سیاست‌های رژیم ولایت فقیه در عرصه‌های گوناگون و ابراز همبستگی با یکدیگر بوده است:

اعتراض‌های فزاینده کارگران و زحمتکشان، از جمله مبارزات قهرمانانه کارگران مجتمع نیشکر هفت‌تپه، نورد اهواز، کارخانه‌های آذراب و هپکو در اعتراض به ماه‌ها دستمزد‌های عقب‌افتاده، قراردادهای سیدامضا، نداشتن امنیت شغلی، و سقوط ارزش واقعی مزدها و درآمدها در مقابل تورم فزاینده، و همچنین اعتراض‌های رو به افزایش آنان به سرکوب خشن و نقض حقوق صنفی‌شان از جمله حق تشکیل سندیکاهای مستقل کارگری و حق برخورداری از ایمنی و بهداشت کار؛

اعتراض‌های گسترده معلمان و فرهنگیان کشور به خصوصی‌سازی مدرسه‌های کشور که در قالب برون‌سپاری آموزش و خرید خدمات آموزشی، شکل‌گیری باندهای مافیایی و "مدرسه‌فروشی"، لطمه زیادی به کیفیت آموزشی زده است؛ اعتراض به سطح پایین حقوق معلمان و فرهنگیان کشور و بی‌توجهی دولت نسبت به پرداخت بدهی‌های خود به فرهنگیان، و همچنین وضعیت ناهنجار و ناکارآمد بیمه خدمات درمانی فرهنگیان کشور؛

اعتراض بازنشستگان کشور به دشواری‌های روزافزونی که با آنها روبه‌رو هستند، و طرح خواست‌هایی همچون بهبود سطح زندگی، افزایش عادلانه حقوق و مستمری‌ها، ارتقای سطح خدمات درمانی، تقویت و بهبود خدمات بیمه‌ای، حفظ و صیانت از صندوق‌های بازنشستگی، و برخورداری از حق برپایی تشکلهای واقعی سندیکایی، که بازنشستگان کشور در گردهمایی‌های اعتراضی گوناگون خود اعلام کرده‌اند؛

اعتراض جوانان و دانشجویان کشور که بیشترین آسیب‌ها را از سیاست‌های اقتصادی-اجتماعی ضد مردمی رژیم دیده‌اند، به نرخ بالای بیکاری و نبود فرصت‌های شغلی مناسب و برنامه‌ای عملی برای پایان دادن به بیکاری خانمان برانداز آنان، و نیز اعتراض به پایمال کردن حق آزادی اندیشه و بیان خود و فشارهای ضد انسانی تاریک‌اندیشان حاکم در تحمیل سبک و نوعی از زندگی به جوانان که بر پایه ذهنیت ارتجاعی قرن‌ها پیش بنا شده است؛

اعتراض خلق‌های تحت ستم کشور به ادامه سرکوب خشن و نقض حقوق ملی آنها و همچنین بی‌عدالتی‌های اجتماعی-اقتصادی تحمیل شده به مردم محروم این مناطق که از ستم ملی و طبقاتی شدید رنج می‌برند؛

اعتراض فعالان اجتماعی و مدنی به بازداشت‌های بی‌پایه و صدور حکم‌های سنگین زندان و تشدید جو سرکوب و اختناق که حتی به زندان‌های کشور نیز کشانده شده است، و آزار و اذیت زندانیان سیاسی-عقیدتی در سال اخیر؛ نگرانی مضاعف در روزهای اخیر از این بابت است که با شیوع ویروس کورونا، سرایت آن به زندان‌های کشور به‌عمد و حتی غیرعمد می‌تواند جان بسیاری از زندانیان سیاسی کشور را که در شرایط غیر انسانی و محروم از پایه‌ی‌ترین خدمات بهداشتی نگه داشته شده‌اند، با خطرهای جدی روبه‌رو کند؛

همبستگی و همگامی بسیاری از هنرمندان، نویسندگان، و فعالان اجتماعی-مدنی کشور با اعتراض‌های مردمی در آبان امسال، که از جمله تلبوره‌های آن تحریم جشنواره‌های حکومتی فجر توسط بسیاری از فیلم‌سازان و موسیقی‌دانان و هنرمندان کشور بود، از پدیده‌های مثبت گسترش مبارزه اعتراضی مردمی میهن ما بوده است که البته با تشدید جو ارباب و سرکوب هنرمندان و نویسندگان کشور توسط دستگاه امنیتی جمهوری اسلامی نیز همراه بود. در ماه‌های اخیر، بیدارگاه‌های رژیم ولایت فقیه اعضای کانون نویسندگان ایران رضا خندان مهابادی و بکتاش آبتین را هر یک به ۶ سال حبس، و کیوان باژن را به سه سال و نیم حبس محکوم کردند. پیش از این نیز حکم ۱۸ سال زندان برای سه نویسنده، مترجم، و فعال و عضو هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران

در اردیبهشت امسال توسط قاضی مقیسه صادر شده

ادامه در صفحه ۳

پیام نشست وسیع کمیته مرکزی حزب توده ایران به مردم ایران

- به کارگران و زحمتکشان مبارز؛
- به فرهنگیان و بازنشستگان محروم؛
- به جوانان و دانشجویان بیکارگر؛
- به مبارزان راستین راه تحقق حقوق خلق‌های تحت ستم؛
- به زندانیان سیاسی-عقیدتی و خانواده‌های آنان؛
- به روشنفکران، هنرمندان، نویسندگان، و فعالان اجتماعی-مدنی؛

هم‌میهنان گرامی!

نشست وسیع کمیته مرکزی حزب توده ایران در یکی از بحرانی‌ترین دوران چهل و یک ساله حکومت جمهوری اسلامی برگزار شد. ورشکستگی کامل اقتصادی کشور به دلیل سیاست‌های ضد مردمی و نولیبرالی متکی بر خصوصی‌سازی گسترده، حاکمیت روابط دلالی و رانتی، آزادسازی بازار، و تعدیل انسانی نیروی کار از یک سو، و تحریم‌های ضد انسانی امپریالیسم آمریکا از سوی دیگر، در مجموع شرایط بسیار دشواری را برای میلیون‌ها شهروند میهن ما پدید آورده است. تکرار انفجارهای اجتماعی انبوه مردم جان به لب رسیده و خشمگین در سال‌های اخیر، نخست در ماه دی ۹۶ و سپس در آبان ۹۸، و پس از آن در پی سرنگون کردن هوایمای مسافربری اوکراینی توسط پدافند هوایی سپاه پاسداران، که تظاهرات اعتراضی مردم در صدها شهر کشور و سرکوب خونین این اعتراض‌های مردمی به فرمان ولی فقیه رژیم را به دنبال داشت و به کشتار صدها تن و مجروح و دستگیر شدن هزاران تن از هم‌وطنان ما انجامید، همگی نشان روشنی از دشواری‌های جدی رژیم ولایتی برای ادامه حیات خودش و مهار ناراضی‌توده‌های مردم بوده است. بیهوده نبود که سران حکومت این اعتراض‌های گسترده مردمی را "جنگ جهانی" و "مهلکه بزرگی" ارزیابی کردند که رژیم از آن جان سالم به در نبرد.

نشست وسیع کمیته مرکزی حزب توده ایران اندکی پس از چهل و یکمین سالگرد پیروزی انقلاب بهمن ۵۷ برگزار شد. این انقلاب مردمی و شکوهمند به خاطر خیانت آشکار خمینی و اسلام‌گرایان طرفدار او خیلی زود از مسیر و آرمان اصلی‌اش یعنی استقرار حقوق و آزادی‌های دموکراتیک و حرکت به سمت تحقق عدالت اجتماعی منحرف شد و در نهایت در ورطه رژیم به شدت ضد مردمی و قرون وسطایی سقوط کرد. ثمره جان‌فشانی‌های توده‌های میلیونی مردم در روند انقلاب، رژیمی شد که بر پایه نظریه "اسلام سیاسی" و با هدف تأمین حاکمیت بلامنزاع روحانیت و اسلام‌گرایان تاریک‌اندیش بر میهن ما حاکم گردید.

فاجعه فقر و محرومیت بی‌سابقه، ناهنجاری‌های بی‌شمار اجتماعی، و در کنار اینها، غالب شدن جو خفقان بر فضای کشور و زورگویی روزمره به مردم در همه عرصه‌های زندگی، نتیجه مستقیم حاکمیت مژگنی‌مشتی مرتجع دروغ‌گو و حاکمانی ناپرخرد، چپاولگر، و نالایق است که در طلیعه پیروزی انقلاب، وعده‌های دروغین استقرار آزادی و عدالت و مردم‌سالاری به مردم و نیروهای آزادی‌خواه و مترقی دادند ولی خیلی زود، همچون فاجعه‌های هولناک و مستمّر بر میهن ما چنگ انداختند و چیره گردیدند.

هم‌میهنان گرامی!

رخدادهای ماه‌های اخیر کشور، از جمله سرکوب خونین تظاهرات شما در اعتراض به گران شدن قیمت بنزین در آبان امسال، و به دنبال آن تظاهرات اعتراضی شما در دی ماه به خاطر دروغ‌گویی سران حکومت و پنهان کردن سرنگونی هوایمای اوکراینی و کشتار ۱۴۷ نفر از هم‌میهنانمان، و همچنین در هفته‌های اخیر، بی‌کفایتی و دروغ‌پردازی سران حکومت بر برخورد با فاجعه شیوع ویروس کورونا که تا امروز جان صدها تن را با خطری جدی روبه‌رو کرده است، نشانگر و تأییدکننده این

ادامه فرخنده باد هشتم مارس...

وایس گرایبی است. فرارسیدن هشتم مارس، روز همبستگی رزمجویانه جهانی زنان، بر شما زنان پیکارجوی ایران مبارک باد!

۱۱۰ سال پیش، دومین کنفرانس جهانی زنان سوسیالیست در ۲۷ اوت ۱۹۱۰ (چهار شهریور ۱۲۸۹) در کپنهاگ، تحت تأثیر معنوی بی بدیل کلارا ستکین، با پیشنهاد زنان سوسیالیست آمریکا مبنی بر انتخاب روزی به عنوان روز جهانی زنان، موافقت کرد و بی آن که برای این روز، تاریخی مشخص را پیشنهاد دهد، در قطعنامه خود تصویب کرد که: "زنان سوسیالیست همه کشورها، هرساله روزی را در هم آهنگی با سازمان های آگاه به مسایل طبقاتی و سندیکاها، برگزار خواهند کرد که در درجه نخست به ترویج حق رای زنان کمک رساند. ... روز زنان باید کاراکتری بین المللی داشته باشد و با کمال دقت، آماده و سازماندهی شود." از آن پس تا سال ۱۹۲۱ میلادی (۱۲۹۹ خورشیدی)، روز جهانی زنان هر ساله در روزهای متفاوت بزرگ داشته می شد. برای نمونه، نخستین روز جهانی زنان در سال ۱۹۱۱ میلادی (۱۲۹۰ خورشیدی) در چهار کشور، آلمان، دانمارک، اتریش، مجارستان و سوئیس، با شرکت بیش از یک میلیون تن از زنان، در روز ۱۹ مارس و یک سال پس از آن (۱۹۱۲ میلادی) روز ویژه زنان در کشور آلمان، در روز ۱۲ ماه می برگزار شد. بدین گونه روز جهانی زنان تا سال ۱۹۲۱ میلادی و دومین کنفرانس زنان کمونیست در مسکو، هر سال در روزی متفاوت برگزار می شد. در این کنفرانس و در پی پیشنهاد هیئت زنان بلغاری، روز ۸ مارس به عنوان روز جهانی زنان به تصویب رسید. دلیل این پیشنهاد نیز شرکت گسترده زنان دهقان و تهیدست در روسیه، در روز ۸ مارس ۱۹۱۷ میلادی (۸ مارس بنا بر سالنامه نوین و ۲۳ فوریه بر پایه سالنامه قدیم روسیه) در تظاهرات برای نان، صلح و آزادی در این کشور بود. برخی از پژوهشگران تظاهرات گسترده زنان در این روز را سراغاز انقلاب فوریه ۱۹۱۷ در روسیه می دانند.

در ایران، نخستین جشن روز ۸ مارس در هفدهم اسفندماه سال ۱۳۰۰ خورشیدی (سال ۱۹۲۲ میلادی) در شهر رشت از سوی انجمن های زنان که از حزب کمونیست ایران تأثیر می گرفتند، برگزار شد که در سال های پس از آن، دامنه ای گسترده تر یافت. با بنیان گذاری حزب توده ایران و آغاز فعالیت پر ثمر اعضا و هواداران تشکیلات دمکراتیک زنان ایران، این روز به ویژه در دوره کوتاه فعالیت سیاسی علنی، هر چه با شکوه تر و با تظاهرات بزرگ خیابانی جشن گرفته می شد. نزدیک به یک میلیون زن از گروه ها و سازمان های مختلف تنها در خیابان های تهران، نخستین سالروز ۸ مارس پس از انقلاب بهمن سال ۱۳۵۷ خورشیدی را که شوربختانه به استبداد سیاه مذهبی حاضر انجامید، جشن گرفتند. با تثبیت استبداد و سرکوب در ایران، برگزاری ۸ مارس از سال ۱۳۶۰ تا سال ۱۳۷۶ خورشیدی در درون خانه ها و محفل های خصوصی برگزار می شد ولی از آن پس تا به امروز، با هم گرایبی توانمندتر شدن پیکار زنان و کاربست شکل ها و فرمهای گوناگون، مراسم و همایش های گوناگون زنان، به انگیزه بزرگداشت ۸ مارس، با شرکت ده ها و صدها تن از زنان در مکان های مختلف فرهنگی، پارک ها، دانشگاه ها و مدارس عالی برگزار می شود که بی گمان به بردن آگاهی جنسیتی در جامعه ایران یاری فراوان می رسانند.

در همگی این سال ها تا به امروز، روز بین المللی زنان چه در سطح جهان و چه در پهنه ایران، همواره جلوه ای از پیکار همبسته سراسری زنان برای رسیدن به آماج های انسانی، صلح خواهانه، برابر حقوقی و دگرگون سازی روابط مردسالارانه و زن ستیزانه حاکم بوده است. حزب ما بر این باور بنیادین است که آزادی هر جامعه، درگرو آزادی زنان آن جامعه است و از این روی، پشتیبانی از پیکار و شرکت فعال در مبارزه و تلاش برحق زنان، در راه دست یابی به خواست های برابرخواهانه و لغو هر نوع ستم جنسیتی را، وظیفه ملی و انقلابی هر پیکارگر آزادی خواه می داند. امروز زندانهای ایران لبریز از زنان مبارز و آزادیخواهی است که با پایداری خود حماسه ها آفریده و می آفرینند، زنانی از لایه های گوناگون جامعه، از زنان حقوقدان و خبرنگار گرفته تا زنان خانه دار، فعالان حقوق زنان و حقوق بشر، و از دختران دانشجو گرفته تا کنشگران محیط زیست و جز آن که با مقاومت و روحیه بی نظیر خود در زندانهای جمهوری اسلامی، به مقاومت و مبارزه عمومی در جامعه، کمکی بی بدیل و ارزشمند، می رسانند. نشست وسیع کمیته مرکزی حزب توده ایران بر شما زنان هوشیار و بیدار دربند که دلاورانه با خودکامگی و واپس گرایبی پیکار می کنید، درود می فرستد و از همه توده ای ها در هر کجای جهان، می خواهد تا تمامی توان خود را برای افشای رژیم آزادی کش جمهوری اسلامی و برپایی کارزارهای همبستگی با شما زنان آگاه و مبارز و دیگر زندانیان سیاسی و عقیدتی دربند به کار گیرند و از هیچ کوششی تا گشودن درهای زندان و آزادی شما عزیزان، خودداری نکنند.

- * درودها به پیکار درخشان و دلیرانه زنان ایران بر ضد واپس گرایبی، برای زدودن ستم جنسی و جنسیتی و در راه تحقق حقوق و آزادی های دمکراتیک!
- * درودها به زندانیان زن مبارز که در دخمه های قرون وسطایی رژیم به پیکار دلاورانه خود ادامه می دهند!
- * پیروز باد پیکار زنان ایران و جهان برای برابری حقوق و پایان ستم جنسیتی!

ادامه پیام کمیته مرکزی ...

بود.

هممیهنان گرامی!

واقعیت این است که حتی سران حکومت جمهوری اسلامی نیز پنهان نمی کنند که جامعه ما امروز در بن بست بحرانی همه جانبه قرار دارد، بحران پُر دامنه ای که بی تردید دلیل اصلی آن ادامه حاکمیت ضدملی و مخرب رژیم ولایت فقیه است.

یازدهمین انتخابات مجلس شورای اسلامی که در آن حتی شمار بسیاری از نامزدهای اصلاح طلبان حکومتی که چهار سال در تلاش برای "اعتمادسازی" با حاکمیت و علی خامنه ای بودند نیز رد صلاحیت شدند، از یک سو تجربه مهمی در شناخت میزان و توان هدایت افکار عمومی جامعه توسط رژیم و رهبری آن در شرایط کنونی، و از سوی دیگر نشانه بارز توان مشترک نیروهای مخالف با حاکمیت استبدادی ایران بود. شکست سنگین رهبران حکومت- با وجود صرف هزینه های هنگفت- برای کشیدن مردم به پای صندوق های رای، و به رغم فتواها و خواهش و تمناهای علی خامنه ای و دیگر سران حکومتی مبنی بر "وظیفه شرعی" بودن شرکت در انتخابات، و پاسخ "نه" تاریخی مردم به رهبران جمهوری اسلامی، فصلی نو در مبارزه مردم ما برضد جمهوری اسلامی و رژیم ولایت فقیه گشود.

نشست وسیع کمیته مرکزی حزب توده ایران بر این باور است که مبارزه برضد رژیم ولایت فقیه به مرحله ای جدید وارد می شود. از جمله شاخص های مهم این مرحله جدید، پایان یافتن سیاست بازی های اصلاح طلبان حکومتی و شکست قطعی نظریه اصلاح پذیر "نظام سیاسی" کنونی به قصد حفظ حاکمیت رژیم ولایتی است. بخش هایی هرچه بیشتر از مردم، به ویژه زحمتکشان، به دنبال یافتن راهکارهایی جدی برای حل معضل های گسترده اقتصادی، اجتماعی، و سیاسی جامعه اند. به گمان ما، معضل اساسی جنبش اعتراضی و مردمی در شرایط کنونی، سازمان نیافتگی و نبود جنبش سازمان یافته و مردمی بدیل در مقابل رژیم استبدادی است.

تجربه های تاریخی میهن ما، از جمله تجربه اعتراض های میلیونی مردم پس از کودتای انتخاباتی ولی فقیه در خرداد ۱۳۸۸، و اعتراض های گسترده دو سال و اندی اخیر در شهرهای کشور، همگی نشانگر آن اند که برای شکست دادن ارتجاع و حکومت های دیکتاتوری، همکاری و اتحاد عمل همه نیروهای اجتماعی- به ویژه کارگران و زحمتکشان- در جنبش های اعتراضی مردم امری ضروری است. برای پدید آوردن پیوندهای مشترک و ایجاد همکاری و اتحاد عمل بین نیروهای ملی و دمکراتیک میهن ما، باید همه تلاش ها را به کار گرفت. تجربه دو سال اخیر نشان می دهد که فقط با اعتراض های دلیرانه خیابانی نمی توان رژیم استبدادی حاکم را به زانو درآورد. باید شرایط را برای فلج کردن دستگاه های بنیادی از کار انداختن چرخ های حکومت فراهم آورد. حزب توده ایران همچنان بر این عقیده است که نظام سیاسی کنونی، یعنی رژیم ولایت مطلقه فقیه، که نماد روشن و انکارناپذیر دیکتاتوری قرون وسطایی در میهن ماست، سد اساسی هرگونه حرکت اجتماعی-سیاسی به منظور گشایش راه جامعه در مسیر نجات آن از وضعیت دهشتناک کنونی است. بدون حذف کامل رژیم ولایت فقیه نمی توان به انجام تغییرهای بنیادین در جامعه ایران امید داشت. از این روی، باید همه تلاش ها و نیروها را در این عرصه از مبارزه بسیج کرد.

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم ولایت فقیه!

نشست وسیع کمیته مرکزی حزب توده ایران

نشست وسیع کمیته مرکزی حزب توده ایران
اسفندماه ۱۳۹۸



شکندجه‌شدگان در طول چهل سال حاکمیت اسلام سیاسی شب و روز فریاد و شکایت شکندجه‌شوندگان و حتا زندانیان در وضع عادی در فضای مرگبار آن‌ها خاموشی ندارد. در سپاه‌چال‌های رژیم صغیر شلاق و جریان دائم شکندجه آرام نمی‌گیرد. در چنین فضای تحمیل کردن اتهام‌هایی ساختگی به فرزندان وفادار میهن به آرمان‌های آزادی‌خواهانه مردم در سردابه‌های ویژه بازجویی، شکنجه، و اعتراف‌گیری شیوه‌هایی شناخته شده‌اند که نشست رسوایی‌شان را سالیان سال است که مبارزان میهن از بام‌های

هر دو رژیم پیش و پس از انقلاب به زیر انداخته‌اند. عفو بین‌الملل در گزارش سالانه‌اش هم‌چنین به سرکوب اعتراض‌های کارگری و بازداشت و محکومیت تعداد زیادی از کارگران معترض به اتهام اقدام علیه امنیت ملی اشاره کرده و از بازداشت عاطفه رنگریز و ندا ناجی به‌دلیل شرکت در تجمع اعتراضی روز جهانی کارگر در تهران و محکوم کردن آنان به بیش از ۵ سال زندان گفته است.

محکوم شدن سپیده قلیان و اسماعیل بخشی، دو فعال حقوق کارگران، به حبس و شلاق به‌دلیل‌های: "شرکت در تجمعات مسالمت‌آمیز در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد کارگران کارخانه نیشکر هفت‌تپه استان خوزستان"، "اظهارات علنی این دو فعال مبنی بر شکنجه شدن در طول دوره بازجویی در بازداشتگاه‌ها" پس از پخش "اعتراف‌های اجباری" شان از سوی صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، مقوله دیگری است که عفو بین‌الملل در گزارش سالانه‌اش و در بررسی‌اش از وضعیت کارگران و فعالان این حوزه به آن‌ها اشاره می‌کند.

امروز شاید اکثر مردم ما می‌دانند (و آنکه انکار می‌کند خود را به‌نادانی می‌زند) که گزیم‌های رژیم با عنوان "حد" و "تعزیر" در زیر لباس شرع پیکره‌های فرزندان میهن را زیر حیوانی‌ترین شکنجه‌ها می‌برند تا نیروی پایداری این آزادی‌خواهان را در آزمونی مرگبار در هم شکنند و به کار نکرده اعتراف کنند. بازجویان در دست یافتن به هدف‌شان به‌برکت استیلا می‌رتجعان بر امور مردم - با دست باز و آزادی کامل عمل می‌کنند. شماری از روزنامه‌نگاران به‌دلیل فعالیت‌های معمول مطبوعاتی‌شان در زندان‌های رژیم اسیرند. مسعود کاظمی و مرضیه امیری در زمره مطبوعاتی‌هایی‌اند که عفو بین‌الملل از آنان نام برده است. دفاع از حقوق بدیهی روزنامه‌نگاران به‌معنای دفاع از آزادی اندیشه، بیان، و قلم است. هراس رژیم از فعالیت مطبوعات غیروابسته به ارتجاع و روزنامه‌نگاران مستقل و آزادی‌خواه و مردمی چنان ژرف است که بخشی از برنامه ارگان‌های سرکوبگر مانند سپاه پاسداران و بیدادگاه‌های حکومت "اسلامی" به‌طور مشخص به این گروه از رسانه‌های مردمی اختصاص یافته و به منافع و حقوق آن‌ها می‌تازد تا مهارشان را به‌دست خود بگیرد.

از دیگر بندهای گزارش سالانه عفو بین‌الملل پرداختن به بازداشت دست‌کم ۱۶ تن از امضاکندنگان بیانیه‌ای است که در آن فعالان سیاسی تغییرهایی ساختاری و بنیادین در نظام سیاسی کشور خواستار شده بودند. آنان به‌اتهام "توهین به خامنه‌ای" بازداشت شده‌اند. نبرد پیکر و بی‌امان علیه استبداد در طرد رژیم ولایت فقیه و "مقام رهبری فقها" معنی پیدا می‌کند و با پیکار با هرگونه مظاهر خودکامی و خصلت مردمی این پیکار در تلاش به‌خاطر رهایی محرومان جامعه از فقر و مسکنت و در برداری ارتباطی ناگسستنی دارند. عفو بین‌الملل گذشته از بررسی حکم‌های جابرانه رژیم که زندگی و حیات میهن دوستان مبارز گرفتار در بند، درباره وضعیت حقوق زنان در سال ۱۳۹۸ - هرچند به‌تصویب قانون حق تابعیت فرزندان زنان ایرانی که با اتباع خارجی ازدواج کرده‌اند اشاره می‌کند - با این وجود می‌نویسد: "در سطح کلان تبعیض نهادینه علیه زنان در حوزه‌های کفیری و مدنی،

ادامه در صفحه ۵

واقعی مردم و کشور ما را در روال معمولش به "جاسوسی" و همکاری با دولت‌های "متخاصم" متهم می‌کنند. زند این‌گونه اتهام‌های سخیف به انسان‌هایی که برای پیشرفت کشورشان مبارزه می‌کنند در ایران، نه تازگی دارد و نه مختص به سران حکومت اسلامی است. برخلاف تبلیغات و زند اتهام‌هایی ساختگی، یگانه انگیزه این انسان‌های شریف خدمت به میهن و محرومان جامعه بوده است.

در زندان‌های رژیم "ولایی" تنها زبان رسا، زبان تازیانه و یگانه منطق فرمانروا، منطق فحش و توهین و ناسزا است. زندان‌های رژیم جمهوری اسلامی به‌تمام معنا دوزخ‌ها و قربانگاه‌هایی‌اند که بنا به بیان کتبی و شفاهی

شکندجه‌شدگان در طول چهل سال حاکمیت اسلام سیاسی شب و روز فریاد و شکایت شکندجه‌شوندگان و حتا زندانیان در وضع عادی در فضای مرگبار آن‌ها خاموشی ندارد. در سپاه‌چال‌های رژیم صغیر شلاق و جریان دائم شکندجه آرام نمی‌گیرد. در چنین فضای تحمیل کردن اتهام‌هایی ساختگی به فرزندان وفادار میهن به آرمان‌های آزادی‌خواهانه مردم در سردابه‌های ویژه بازجویی، شکنجه، و اعتراف‌گیری شیوه‌هایی شناخته شده‌اند که نشست رسوایی‌شان را سالیان سال است که مبارزان میهن از بام‌های

هر دو رژیم پیش و پس از انقلاب به زیر انداخته‌اند. عفو بین‌الملل در گزارش سالانه‌اش هم‌چنین به سرکوب اعتراض‌های کارگری و بازداشت و محکومیت تعداد زیادی از کارگران معترض به اتهام اقدام علیه امنیت ملی اشاره کرده و از بازداشت عاطفه رنگریز و ندا ناجی به‌دلیل شرکت در تجمع اعتراضی روز جهانی کارگر در تهران و محکوم کردن آنان به بیش از ۵ سال زندان گفته است.

محکوم شدن سپیده قلیان و اسماعیل بخشی، دو فعال حقوق کارگران، به حبس و شلاق به‌دلیل‌های: "شرکت در تجمعات مسالمت‌آمیز در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد کارگران کارخانه نیشکر هفت‌تپه استان خوزستان"، "اظهارات علنی این دو فعال مبنی بر شکنجه شدن در طول دوره بازجویی در بازداشتگاه‌ها" پس از پخش "اعتراف‌های اجباری" شان از سوی صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، مقوله دیگری است که عفو بین‌الملل در گزارش سالانه‌اش و در بررسی‌اش از وضعیت کارگران و فعالان این حوزه به آن‌ها اشاره می‌کند.

امروز شاید اکثر مردم ما می‌دانند (و آنکه انکار می‌کند خود را به‌نادانی می‌زند) که گزیم‌های رژیم با عنوان "حد" و "تعزیر" در زیر لباس شرع پیکره‌های فرزندان میهن را زیر حیوانی‌ترین شکنجه‌ها می‌برند تا نیروی پایداری این آزادی‌خواهان را در آزمونی مرگبار در هم شکنند و به کار نکرده اعتراف کنند. بازجویان در دست یافتن به هدف‌شان به‌برکت استیلا می‌رتجعان بر امور مردم - با دست باز و آزادی کامل عمل می‌کنند. شماری از روزنامه‌نگاران به‌دلیل فعالیت‌های معمول مطبوعاتی‌شان در زندان‌های رژیم اسیرند. مسعود کاظمی و مرضیه امیری در زمره مطبوعاتی‌هایی‌اند که عفو بین‌الملل از آنان نام برده است. دفاع از حقوق بدیهی روزنامه‌نگاران به‌معنای دفاع از آزادی اندیشه، بیان، و قلم است. هراس رژیم از فعالیت مطبوعات غیروابسته به ارتجاع و روزنامه‌نگاران مستقل و آزادی‌خواه و مردمی چنان ژرف است که بخشی از برنامه ارگان‌های سرکوبگر مانند سپاه پاسداران و بیدادگاه‌های حکومت "اسلامی" به‌طور مشخص به این گروه از رسانه‌های مردمی اختصاص یافته و به منافع و حقوق آن‌ها می‌تازد تا مهارشان را به‌دست خود بگیرد.

از دیگر بندهای گزارش سالانه عفو بین‌الملل پرداختن به بازداشت دست‌کم ۱۶ تن از امضاکندنگان بیانیه‌ای است که در آن فعالان سیاسی تغییرهایی ساختاری و بنیادین در نظام سیاسی کشور خواستار شده بودند. آنان به‌اتهام "توهین به خامنه‌ای" بازداشت شده‌اند. نبرد پیکر و بی‌امان علیه استبداد در طرد رژیم ولایت فقیه و "مقام رهبری فقها" معنی پیدا می‌کند و با پیکار با هرگونه مظاهر خودکامی و خصلت مردمی این پیکار در تلاش به‌خاطر رهایی محرومان جامعه از فقر و مسکنت و در برداری ارتباطی ناگسستنی دارند. عفو بین‌الملل گذشته از بررسی حکم‌های جابرانه رژیم که زندگی و حیات میهن دوستان مبارز گرفتار در بند، درباره وضعیت حقوق زنان در سال ۱۳۹۸ - هرچند به‌تصویب قانون حق تابعیت فرزندان زنان ایرانی که با اتباع خارجی ازدواج کرده‌اند اشاره می‌کند - با این وجود می‌نویسد: "در سطح کلان تبعیض نهادینه علیه زنان در حوزه‌های کفیری و مدنی،

تأملی بر رویدادهای ایران



مبارزه در راه آزادی زندانیان سیاسی - عقیدتی، وظیفه درنگ‌ناپذیر همه نیروهای انقلابی و دمکرات است!

"در آخرین گزارشی که از سوی عفو بین‌الملل انتشار یافته است، با اشاره به برخی خبرهای درز کرده از پشت درهای بسته بیدادگاه‌ها یا از پس دیوارهای سپاه‌چال‌های دوزخی رژیم در ماه‌های اخیر، این خبرها را مصداق ادامه یافتن نقض شدید حق آزادی بیان، تشکل، آزادی تجمع، و سرکوبگری در ایران اعلام کرده است. در گزارش تازه نهاد حقوق بشری عفو بین‌الملل هم‌چنین سرکوب اعتراض‌های آبان‌ماه ۹۸ با صدها کشته و هزاران بازداشتی آمده است و در آن به "کشته شدن تعدادی کودک"، "ناپدید شدن" برخی از معترضان، و "رفتارهای بی‌رحمانه، غیرانسانی و شکنجه" از سوی مأموران امنیتی نیز اشاره و بررسی شده است. چنان‌که از این گزارش عفو بین‌الملل برمی‌آید، محاکمه‌های در بسته بازداشتی‌ها با شتاب بیشتر ادامه دارد و با زیر پا گذاشتن ابتدایی‌ترین موازین و حقوق قضایی برای آنان حکم‌هایی درازمدت صادر می‌شود.

یادآور می‌شویم که این دستگیر شدگان و درواقع اسیران رژیم در میدان اعتراض‌های مدنی‌ای قانونی که به‌طور غیرقانونی بازداشت شده‌اند و در اصطلاح قضایی حکومت ولایی انگ "متهم"‌های رویدادهای آبان‌ماه ۹۸ بر آنان زده شده است به‌طور غیرقانونی در دادگاه‌های بی‌صلاحیت رژیم محاکمه می‌شوند و برای آنان حکم‌های درازمدت زندان داده می‌شود.

در گزارش تازه عفو بین‌الملل از بازداشت "دست‌کم ۲۴۰ تن از مدافعان حقوق بشر، از جمله وکلا، فعالان حقوق کارگران، فعالان محیط زیست، مدافعان حقوق اقلیت‌ها، فعالان حقوق زنان و کنشگران فعال در زمینه لغو مجازات اعدام و هم‌چنین اعدام‌های [سال‌های] دهه ۶۰" سخن گفته می‌شود.

عفو بین‌الملل با انتقاد از "قطعی اینترنت در جریان اعتراضات آبان‌ماه [۹۸]" و "سانسور انواع رسانه‌ها"، آن را "تلاش مسؤلان کشور به‌منظور ممانعت از اطلاع‌رسانی به‌وسیله مردم از خشونت‌ورزی مرگبار نیروهای امنیتی" دانسته است. در گزارش سالانه عفو بین‌الملل ادامه یافتن سرکوب وکلای حقوق بشری به‌دلیل فعالیت‌های مسالمت‌آمیزشان که از آن جمله‌اند دفاع کسانی که با اتهام‌های واہی به اقدام علیه "امنیت ملی" روبرویند، از دیگر مورد‌های یاد شده‌اند. در این گزارش تازه، به محکومیت ۳۳ سال و شش ماه حبس نسرین ستوده و ۲۹ سال و سه ماه حبس امیرسالار داوودی نیز اشاره شده است. هم‌زمان با انتشار گزارش سالانه عفو بین‌الملل، غلامحسین اسماعیلی، سخنگوی قوه قضاییه رژیم جمهوری اسلامی، در نشست خبری هفتگی‌اش، ۲۹ بهمن‌ماه ۱۳۹۸، از نهایی شدن حکم فعالان محیط زیست خبر داد. بر اساس گفته‌های او، فعالان محیط زیست - فعالانی که از دو سال پیش در چنگال رژیم اسیرند - به ۵۸ سال زندان محکوم شده‌اند. بیدادگاه‌های رژیم، مراد طاهباز و نیلوفر بیانی را هر کدام به تحمل ۱۰ سال زندان، هومن جوکار و طاهر قدیریان را هر کدام به ۸ سال زندان، سام رجیبی و حمیده (سپیده) کاشانی را نیز هر کدام به ۶ سال زندان محکوم کرده است. غلامحسین اسماعیلی، سخنگوی قضایی حکومتی، به‌اصطلاح اتهام آنان را - که همگی اتهام‌هایی ساختگی‌اند - "همکاری با دولت متخاصم آمریکا" اعلام کرد که به گفته او در دادگاه تجدیدنظر هم تأیید شده است. چرا محاکمه‌های بی‌پایه در بیدادگاه‌های رژیم بار دیگر چنین دامنه‌ای گسترده یافته است؟ پاسخ به این سؤال ساده است: سران رژیم جمهوری اسلامی میهن‌دوستان و خادمان

ادامه رویدادهای ایران ...

از جمله در رابطه با ازدواج، طلاق، استخدام، ارث و تصدی مناصب سیاسی ادامه یافته است.

در این گزارش به "قصور مسئولان در جرم‌انگاری خشونت‌های جنسیتی رایج علیه زنان و دختران از جمله ازدواج زودهنگام" و به "کاهش تأثیرگذاری لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت با اعمال تغییرات گسترده در لایحه از سوی قوه قضاییه" اشاره شده است.

"شدت بخشیدن [به] سرکوب مخالفان با حجاب اجباری" و محکومیت برخی از فعالان این حوزه، موضوع دیگر در حوزه حقوق زنان است که گزارش عفو بین‌الملل به آن پرداخته است. در روزهای اخیر گیتی پورقاصیل - نویسنده، حقوقدان و عضو کانون نویسندگان ایران - و سه تن دیگر از کنشگران حقوق زنان (شهلا جهان‌بین، زهرا جمالی و شهلا انتصاری) که نامه‌ای انتقادی خطاب به حاکمیت جمهوری اسلامی نوشته بودند، هر یک به ۲۷ ماه زندان محکوم شده‌اند. تاریخ چهار دهه اخیر میهن ما، پیروزی سیاسی نخستین‌اش با نا کامی‌ها، شکنجه‌ها، زندان‌ها، و اعدام‌ها توأم بوده است. از دیگر موارد نقض حقوق بشر در میهن ما در گزارش سالانه عفو بین‌الملل "شکنجه و سایر رفتارهای بی‌رحمانه، غیرانسانی، از جمله سلول‌های انفرادی به مدت طولانی" است! فرزندان ایران زمین با علم به این حقیقت گام در کام خطر گذاشته و می‌گذارند. این نهاد حقوق بشری از "شکنجه منجر به مرگ" بازداشت شدگانی چون جواد خسروانیان و گزارش‌هایی درباره جان باختن چندین تن از بازداشت شدگان در جریان اعتراض‌های آبان‌ماه ۹۸ در زندان، شکنجه ارش صادقی (مدافع حقوق بشر) و "محرومیت عامدانه از مراقبت‌های پزشکی مناسب زندانیان عقیدتی" می‌گوید. نگاهی به پاره‌ای از حکم‌هایی تازه که برای شماری از بازداشت شدگان صرفاً به جرم شرکت در اعتراض‌های مردمی داده شده نشانگر حقایق بسیاری است. عفو بین‌الملل از "اعدام تعداد زیادی به دنبال برگزاری محاکمه‌های ناعادلانه"، "اعدام در ملاعام"، و "اعدام کسانی که در زمان وقوع جرم کمتر از ۱۸ سال سن داشته‌اند" در گزارشش آورده است.

برای لغو حکم‌های اعدام و پایان دادن به فضای تهدید و وحشت‌آفرینی به مبارزه‌ای منسجم و همگانی نیاز است. انتظار توده‌های ستمدیده و حفاظت از روحیه جنبش مردمی ایجاب می‌کنند که همه نیروهای ملی، ملی مذهبی، چپ و مترقی، و دیگر نیروهای آزادی‌خواه در کشور با اقدامی یکپارچه و با تدبیری ملی در برابر حکم‌های جابرانه‌ای که همچون ساطوری خون‌چکان ریشه حیات اسیران در بند رژیم را تهدید می‌کند بایستند.

اعترافات اجباری و نقض سازمان‌یافته حقوق بشر "مقوله‌ای دیگر در گزارش عفو بین‌الملل است. این سازمان حقوق بشری با اشاره به پخش "اعترافات" مازیار ابراهیمی، از ارائه طرحی از سوی محمود صادقی، نماینده مجلس شورای اسلامی، که مبتنی بر "جرم‌انگاری ضبط و پخش اعترافات اجباری" است، می‌نویسد: "به اعتقاد گردآورندگان این گزارش تصویب آن بعید به نظر می‌رسد." در این گزارش همچنین به "اعترافات اجباری" معترضانی که در جریان اعتراض‌های سراسری آبان‌ماه ۹۸ دستگیر شده‌اند نیز اشاره شده است.

عفو بین‌الملل به ادامه "پنهان‌کاری مسئولان" در مورد سرنوشت و محل دفن هزاران مخالف و دگراندیش سیاسی که در جریان فاجعه ملی (کشتار زندانیان سیاسی) در تابستان سیاه سال ۱۳۶۷ به قتل رسیدند و نیز "ناپدیدسازی قهری" را "مصادق جنایت علیه بشریت" نامیده است.

باید این درس تاریخی را آموخت که در مبارزه به‌منظور پایان بخشیدن به ادامه شکنجه و بیدادگری و در دفاع از آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی، یعنی زندانیانی که افتخار مردم ایران در مبارزه‌اش با استبداد هستند، تنها راه کامیابی و رسیدن به این هدف اتحاد و تشکیل صف واحد همه نیروها است. باید دست‌ها و دل‌ها را به یکدیگر پیوند داد و یکپارچه، متحد، و هماهنگ، به دفاع از ایران و آزادی آنان برخاست و لغو حکم اعدام از همه قوانین و مقررات کشور را خواستار شد. در این روزهای سخت و دشوار، مردم میهن ما بار دیگر نهادهای بین‌المللی مدافع حقوق بشر، همه حزب‌ها و سازمان‌های مترقی و دمکرات، همه کانون‌های پر اعتبار حقوقی در سراسر جهان را به یاری مردم ایران و فرزندان در بندش فرامی‌خواند.

ادامه مقابله به ویروس کرونا ...

در ایران در حفاظت از جان مردم در مقابل این ویروس، مصداق جرم و قابل محاکمه خواهد بود.

خوشبختانه در روزهای اخیر تصمیم به تعطیل کردن مدرسه‌ها و دانشگاه‌ها و بازارها، محدود کردن ساعت کار بانک‌ها و اداره‌ها، و حتی تعطیل کردن مجلس نمایندگان، به اعتقاد صاحب‌نظران پزشکی و مدیریت بحران اقدام مؤثری بود که به کنترل کردن انتشار ویروس کمک می‌کند. اما هنوز نگرانی‌هایی جدی وجود دارد درباره محیط‌های کار زحمتکشان (اداره‌ها و کارخانه‌ها و بیمارستان‌ها و پادگان‌ها و فروشگاه‌ها و حمل‌ونقل عمومی و غیره) که با کمبود امکانات ایمنی و بهداشت و وسایل پیشگیری روبرو هستند. یکی دیگر از موارد نگرانی جدی، وضعیت ده‌ها هزار زندانی است که در زندان‌های ایران در معرض آسیب جدی ابتلا به این ویروس خطرناک قرار دارند. اخیراً خواست‌هایی مطرح شده است مبنی بر مرخصی دادن به زندانیان یا اطمینان از اینکه دسترسی کافی به وسایل پیشگیری و درمانی داشته باشند. تهیه و تأمین کیت‌های تشخیص بیماری، کیت‌های پیشگیری مثل ماسک و ژل ضدعفونی (الکلی) و لباس محافظ مخصوص برای کادر درمانی و غیره نیز بی‌تردید اهمیت بسیاری دارد که همراه با آموزش مناسب از راه‌های مؤثر، می‌تواند به مهار این ویروس و جلوگیری از انتشار بی‌رویه آن کمک کند. متأسفانه در کنار بی‌کفایتی مدیران کنونی کشور، ویران شدن تولید داخلی، و سودجویی واردکنندگان و دلالت آنکگ‌صفت، عامل تحریم‌های سنگین و ضدمردمی اعمال شده بر ایران نیز باعث کاهش امکان تهیه و تأمین این وسایل بهداشتی و ایمنی شده است. در چنین شرایطی، باید بیش از پیش برای برداشتن تحریم‌ها از روی ایران و باز کردن راه‌های واردات وسایل مورد نیاز، کوشش کرد. مسدود کردن راه‌های خرید و تحویل دادن وسایل و تجهیزات پزشکی لازم به ایران در چنین شرایطی، اقدامی ضدانسانی جنایتکارانه است. خوشبختانه نشانه‌هایی دیده می‌شود که شاید در این مورد راه‌هایی از طریق کشور سوییس باز شود.

مسلم است که چنین بحران‌هایی در هر کشوری سبب وارد شدن زبان‌هایی سنگین به اقتصاد آن کشور می‌شود. از زمان آغاز انتشار ویروس کووید-۱۹ در چین تا کنون، بخش بزرگی از تولید آن کشور متوقف شده است چون کارگران و دیگر کارکنان آنها در قرنطینه‌اند. به‌تازگی بخش‌هایی از کارگران به‌تدریج و باز هم زیر کنترل دقیق (مثلاً روزی دو بار گرفتن درجه حرارت بدن و استفاده اکید از ماسک ایمنی) به محل‌های کار خود بازگشته‌اند تا تولید را از سر بگیرند. توقف تولید در چین به مدتی در حدود دو ماه نه‌فقط ضربه سنگینی به اقتصاد چین زده است، بلکه سبب اختلال در زنجیره تأمین قطعات و مواد و خدمات، و اختلالی جدی در تولید کشورهای دیگر نیز شده است. اینجاست که خواست مشترکی پیدا شده است، و آن پایان دادن به بحران جهانی ویروس کرونا است. البته هستند شرکت‌ها یا محفل‌هایی که در این میان نه به جان میلیون‌ها انسان، بلکه فقط به سودی که می‌توانند از این فاجعه ببرند فکر می‌کنند. دونالد ترامپ یکی از آنهاست که بیشتر نگران سقوط بازار بورس است تا جان میلیون‌ها انسان در آمریکا و جهان.

تحمل بار اقتصادی این بحران برای ایرانی که دچار سوءمدیریت مزمن و تحریم‌های کمرشکن است نیز آسان نخواهد بود. در چنین مواردی، یاری گرفتن از نهادهای بین‌المللی برای نجات دادن جان شهروندان، هیچ جای تعارف و شرم ندارد. اگر کمک‌های بشردوستانه ممکن باشد، که هست، نباید از آنها روی گرداند.

آگاهی‌رسانی صحیح و علمی از مجرای مقام‌ها و نهادهای مسئول، شفافیت در اعلام آمار و وضعیت موجود، جلوگیری از دخالت متولیان خرافات در کار علمی-تخصصی کادر پزشکی و درمانی، تأمین وسایل و تجهیزات لازم برای مقابله با گسترش ویروس، حمایت از زحمتکشان در این عرصه، تلاش برای برخورداری از امکانات بین‌المللی (از جمله از راه تعلیق تحریم‌ها)، مشارکت در همکاری‌های بین‌المللی، و تأمین امکانات عمومی لازم برای همه هم‌میهنان، و به‌ویژه در استان‌هایی که هم‌اکنون دچار ابتلا به این بیماری شده‌اند، عواملی‌اند که می‌توانند به مهار کردن ویروس کووید-۱۹ و بیرون رفتن از بحران کنونی کمک کنند. بی‌کفایتی مدیران کنونی ایرانی مایه تشدید بحران و وخیم‌تر شدن خطر شیوع ویروس است. نباید گذاشت رفتارهای غیرمسئولانه و سوءمدیریت بحران در جمهوری اسلامی به بهای جان هم‌وطنان تمام شود. با تلاش جمعی می‌شود بر این بحران غلبه کرد.

ادامه نگاهی فراتر از انتخابات ...

فصل الخطاب اند، زاینده مشکل های کمرشکن برای مردم هستند. مهندسی انتخابات اخیر مجلس شورای اسلامی نشانگر دوره ای جدید از تلاش به هدف هماهنگی منافع و مظهرهای پیرامون ولی فقیه به منظور تمرکز بیش از پیش قدرت حول محور نیروهای "ذوب کامل در ولایت" در برخورد با بحران ها است. واقعیت اما آن است که با گسترش تحریم های آمریکا و بی نتیجه ماندن تلاش های دیپلماتیک تاکنون، فضای عمل و مقاومت رژیم ولایتی در برابر بحران های آتی و بلاهایی که بر سر مردم اوار می شوند پیوسته محدودتر خواهد شد. از این روی، در افق تحولات آتی، به کارگیری هر چه بیشتر سرکوب و ارباب در کنار ترفندهایی مانند مخفی کاری، دروغ گویی، و وعده های پوچ را می باید از سران حکومتی و دستگاه تبلیغاتی اش انتظار داشت. در این میدان، حسن روحانی، رئیس جمهور ولایت، در مقام سخنگوی اصلی و نماد بیرونی و نرم تر دیکتاتوری ولایتی، با ایجاد پرده ای ساتر در توجیه کردن پنهان کاری ها و سرکوبگری ها نقش آفرینی می کند. این درحالی است که راس قدرت حکومت ولایتی، یعنی علی خامنه و رئیس جمهور و کارگزاران "نظام"، همگی به وضوح با بحران مشروعیت روبرو شده اند، بحرانی که در آینده شدت بیشتری خواهد یافت.

همچنین باید یادآور شد که، موقعیت بین المللی دیکتاتوری حاکم به لحاظ توازن نیروها در سطح جهانی چندان که امکان تأثیرگذاری بر تحولات و تخفیف بحران خارجی رژیم را در بر داشته باشد نیز با دوام نیست. در دو ماه اخیر و پس از ترور قاسم سلیمانی تنش ها و واکنش های دیپلماتیک و نظامی بین دولت ترامپ و جمهوری اسلامی نشان داده اند که سران رژیم، خامنه ای، و فرماندهان سپاه به جز رجزخوانی، صحنه سازی، و ادعاهای پوچ برای دفاع از کشور آن چنان چیزی در چپته ندارند. هرچند این رجزخوانی های خطرناک به همراه اقدام نابخردانه از سرگیری غنی سازی هسته ای و ادامه فعالیت های برون مرزی نیروی قدس سپاه در منطقه (یا به زعم امثال محسن رضایی برپایه "امپراتوری اسلامی") در کنار موضع گیری های خطرناک دولت ترامپ به ویژه در ارتباط با کارزار انتخابات ریاست جمهوری آتی این کشور، می توانند به برخورد نظامی و حتی جنگ منتهی شوند. شواهد از افزایش تحریم های آمریکا حکایت دارند و حکومت ولایتی به لحاظ اقتصادی توان مقابله با فشارهای ناشی از تحریم ها را ندارد.

حدود دو سال پیش دونالد ترامپ با امضای "فرمان اجرایی" و پیامی توییتی در مورد بازگشت تحریم های خزانه داری آمریکا توانست سریعاً و به آسانی و از طریق واداشتن ارزش ریال ایران به سقوط آزاد و مسدود کردن کانال های معاملات بین المللی ایران، بحران ساختاری موجود در اقتصاد کشورمان را گسترده تر کند. مشکل بنیادی بر سر راه سران رژیم ولایتی و در رأس آنان چهره هایی مانند خامنه ای و روحانی در مقابله با فشارها و تهدیدهای روزافزون از جانب دولت ترامپ، وجود اقتصاد ملی ای بسیار ضعیف، نامولد، وارداتی، تک محصولی متکی به صدور نفت خام، و بسته بودن بند نافش به ارزش مبادله دلار و ریال است. واقعیت آن است که ساختارها و عملکرد کلان اقتصاد کشورمان طی سه دهه گذشته پس از جنگ ایران و عراق، آگاهانه در خدمت منافع سرمایه داری تجاری- مالی و در پیوند تنگاتنگ با همکاری مستقیم نمایندگان سیاسی سرمایه داری بوروکراتیک شکل گرفته اند. اجرای سه دهه تعدیل های اقتصادی بر مبنای الگوی نولیبرالیستی و نسخه های صندوق جهانی پول به هدف ایجاد "رشد اقتصادی" بر محور انباشت سرمایه های کلان با انگیزه ثروت اندوزی شخصی از طریق خصوصی سازی و شبه خصوصی سازی، شئون اساسی تولید و توزیع در کشور بود. این فرایند، در ایجاد اقتصادی نامولد، رانت خوار، و اسیر سلطه لایه های الیگارشی تجاری- مالی متصل به جناح های سیاسی نقشی تعیین کننده داشته است و اقتصاد ملی ایران را در این سه دهه همیشه در بحرانی ساختاری و وضعی شکننده قرار داده است. بر این بستر اقتصادی بود که آمریکا از دوره ریاست جمهوری بارک اوباما تا کنون از طریق اعمال دوباره تحریم های مالی به راحتی اقتصاد ملی کشورمان را به اسارت گرفته است- اگر از در انقلاب بیرون انداخته شد از پنجره اقتصاد وارد شد. برای مثال اکنون که کشور ما با بحرانی دیگر یعنی گسترش شتابان ویروس کرونا روبرو شده است، در کنار بی صداقتی، مدیریت امنیتی- سیاسی و عقیدتی مسئولان و روحانیت مرتجع باید به یکی دیگر از عامل های اصلی سازنده این بحران اشاره کرد: نبود سامانه "طب ملی" در کشور ما! چون این عرصه حیاتی جامعه عامدانه و پرنامه ریزی شده در پیروی از الگوی نولیبرالیسم اقتصادی و در حکم کالایی سودآور به دست قانون مقدس بازار آزاد یعنی "عرضه و تقاضا" سپرده شده است. از این روی،

با وجود این که کادر پزشکی، پرستاری، و دیگر کارکنان فداکارانه به منظور مهار کردن شیوع کرونا تلاش می ورزند، اما به دلیل کمبود شدید امکانات ضروری در سطح کشور، روند مهار ویروس کرونا این چنین کم اثر بوده است.

در ماه های آینده با داغ تر شدن کارزار انتخابات ریاست جمهوری آمریکا که دامنه آن تا آبان ماه سال ۱۳۹۹ کشیده خواهد شد، مسئله ایران "منطقاً- و بنا به آنچه تاکنون در این زمینه روی داده است- از جانب تیم تبلیغاتی ترامپ به یکی از حربه ها و ابزارهای اصلی در مبارزات انتخاباتی تبدیل خواهد شد. با توجه به دیدگاه های شونیستی جریان های راست افراطی در پیرامون دونالد ترامپ، در صورت ضروری دانسته شدن برای پیروزی انتخاباتی، حرکت هایی بالقوه خطرناک تر و تشنه تر در دستور کار دولت آمریکا می شود انتظار داشت. همچنین تردید نمی توان داشت که بین اصحاب قدرت رژیم ولایتی و اندیشکده های متصل به هرم قدرت هم افزایش تنش با آمریکا می تواند همچون بهانه یا ترفندی برای مقابله با بالا گرفتن اعتراض های مردم لحاظ شود. سرشت اقتصاد ملی کشور و عملکرد آن که توان تولیدی اش از درون تهی شده و زندگی طبقه کارگر و بخش های زیادی از قشر میانی به همراه فرودستان را به تپاهی کشانده، اکنون در عمل کشورمان را در برابر سیاست های تجاوزکارانه و خطرناک یکی از هارترین محفل های امپریالیستی آمریکا بی دفاع نگه داشته است. شکی نیست که وضعیت اقتصادی کشورمان در چگونگی شکل گیری تحولات آینده در رابطه با کنش و واکنش های بین سران رژیم ولایتی و دولت ترامپ نقشی تعیین کننده خواهد داشت. حزب ما همواره بر این نکته تأکید کرده است که منطق ادامه "جنگ اقتصادی" دولت ترامپ می تواند به نقطه بازگشت ناپذیر "جنگ نظامی" ای خانمان سوز در خاورمیانه منتهی شود. بنابراین، می باید با بسیج افکار عمومی و جنبش صلح خواهی، با هر وسیله ممکن در داخل و خارج کشور، برای جلوگیری از به وجود آمدن هر نوع زدوخورد نظامی بر هر دو طرف فشار وارد آورد.

البته برنامه های اقتصادی که با کش و قوس اما در مجموع و گام به گام از سه دهه گذشته تا کنون در کشور اجرا شده اند، شئون اساسی و کلان اقتصاد ملی را آگاهانه در سمت ادغام ارگانیک و همه جانبه با سرمایه داری جهانی "آماده سازی" کرده اند. در این باره باید یادآور شد که گزارش های مکرر "صندوق بین المللی پول" با تقدیر از روند اجرای تعدیل های اقتصادی در ایران (از دوره دولت اصلاحات و به ویژه در دوره احمدی نژاد) و با اشاره به رشد "تحسین آمیز" بخش مالی- بانکی و استقبال گرم به خصوص از به کارگیری "شوگ درمانی" ها به منظور آزادسازی قیمت ها (مانند طرح "هدفمندی یارانه ها" یا افزایش قیمت بنزین در آبان ماه ۹۸)، همگی نشان دگرگون سازی اقتصاد کشور با الگوی نولیبرالیستی مورد نظر کشورهای قدرتمند غربی بر خود داشته اند.

به عبارت دیگر، در فرایند شکل گیری تحولات آتی و گرفتن تصمیم های کلیدی در راستای "تداوم نظام" و همزیستی اش با کشورهای قدرتمند سرمایه داری و به ویژه آمریکا، اقتصاد ملی کشورمان از نقطه اشتراک هایی بسیار مهم با همان "استکیار جهانی" برخوردار بوده است. دیکتاتوری حاکم بر اساس تقدیم نیروی کار ارزان و مطیع (که با محروم بودن از سندیکاهای شان سازمان دهی ای مؤثر در برابر بهره کشی های سبعانه ندارند) و با فروش نفت خام و داشتن اقتصادی وارداتی، برای دادوستد سیاسی و مصالحه آمادگی لازم را دارد. روشن است که در صورت اختیار این گزینه، لایه های بسیار پرنفوذ کلان سرمایه داری مالی- تجاری در کشور، همراه با همقطاران شان در خارج کشور، برنده اصلی این مصالحه خواهند بود. این کانون های پر قدرت اقتصادی- سیاسی، به برکت اتحاد تنگاتنگ با لایه های پرنفوذ بورژوازی بوروکراتیک و بخشی از روحانیت، در تصمیم گیری های کلیدی نقشی تعیین کننده دارند. این لایه های پر قدرت الیگارشی، در تکمیل دگرپرسی خویش و درآمدن به صورت "بورژوازی کمپرادور" (وابسته و سرسپرده)، هیچ نوع تعهدی به منافع ملی میهن خود ندارند و نخواهند داشت! وجود فصل مشترک ها در اقتصاد ملی کشورمان با منافع کلان سرمایه داری جهانی در حاکمیت مطلق ولایت فقیه، عاملی بسیار مهم در فرایند تصمیم گیری های نهایی طرفین خواهد بود. بی شک رژیم ولایتی از این فصل مشترک ها برای تضمین بقای خود بهره برداری کرده و خواهد کرد، اما دولت ترامپ خواهان مطالباتی فراتر از محصول این فصل مشترک ها است.

مسئله اصلی تهدیدکننده بقای دیکتاتوری حاکم و منافع مادی عظیم جناح های قدرت، عاملی است درونی و برآمده از تضاد آشتی ناپذیر خواست تغییرهای بنیادی دموکراتیک و عدالت خواهانه مردم با تداوم حاکمیت مطلق ولایت فقیه است. شواهد نشان می دهد کشور ما می تواند در خلال یک سال آتی دستخوش تحولاتی تعیین کننده شود. شکل گیری آینده میهن را نمی باید به نتیجه کش و واکنش ها و خطونشان کشیدن ها میان علی خامنه ای و ترامپ واگذار کرد. پیکان مبارزه را باید به سمت قلب دیکتاتوری حاکم یعنی نهاد ولایت فقیه و ساختارهای اصلی اعمال قدرت آن نشانه گرفت. در این راستا حزب توده ایران بنا بر ضرورت این لحظه حیاتی برای میهن مان، نیروها و کنش گران سیاسی و مدنی آزادی خواه و میهن دوست را به همکاری و تلاشی سترگ در جهت شکل گیری جبهه واحد ضد دیکتاتوری فرامی خواند.

به استقبال صدمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست ایران!

رفقای گرامی!

با فرارسیدن خردادماه ۱۳۹۹ از تاریخ تأسیس حزب کمونیست ایران صد سال سپری می‌شود. اگرچه نطفه‌های جنبش کارگری و سوسیال‌دموکراسی در میهن ما در دوران انقلاب مشروطیت نضج یافت و تأثیرهایی تعیین‌کننده بر روند شکل‌گیری و پیروزی انقلاب مشروطیت داشت اما باینهمه جنبش کارگری و کمونیستی ایران در هیئت حزبی سازمان یافته و منسجم در تیرماه ۱۳۹۹ خورشیدی و تشکیل حزب کمونیست ایران به‌رهبری شخصیت برجسته انقلاب مشروطیت حیدر عموآغلی به‌طور رسمی آغاز می‌گردد.

سراغاز رشد اندیشه‌های چپ و مارکسیستی در ایران اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی است. با رشد صنعت و توسعه شیوه تولید سرمایه‌داری، آموزه‌های مارکس به ایران راه می‌یابد. صحنه اجتماعی و سیاسی این دوره را در چارچوب تحول تاریخی جامعه ایران در گذار آن از فتوالیسم به سرمایه‌داری می‌توان خلاصه کرد. با گرفتن سرمایه‌داری نوزاده آن زمان، اگرچه به‌کندی، اما درحال رشد بود و زایش و شکل‌گیری طبقه کارگر کشور درحال کامل شدن بود. در سال‌های آخر قرن نوزدهم میلادی، و زیر تأثیر و نفوذ دیدگاه‌های چپ مترقی، مبارزه ضداستبدادی رشدی چشمگیر کرد و شمار فرابنده‌ای از مردم به مبارزه انقلابی پیوستند. تاریخ‌دان برجسته میهن ما، رفیق جان‌باخته عبدالحسین آگاهی در "تاریخ احزاب در ایران"، در زمینه رشد اندیشه‌های سوسیالیستی در ایران می‌نویسد: "پیرامون اندیشه‌های سوسیالیسم معاصر برای نخستین بار در ایران، در مقاله‌ای که روزنامه ایران (شماره ۴۰۲، اسفندماه ۱۲۹۵) به‌نقل از روزنامه "آختر" (چاپ استانبول) به‌مناسبت نهمین سالگرد کمون پاریس (۱۸ مارس ۱۸۷۱ / اسفندماه ۱۲۴۹ خورشیدی) درج کرده، به‌تفصیل سخن رفته است. روزنامه علت درج مقاله را چنین توضیح می‌دهد: سوسیالیست‌ها... روز به‌روز در ترویج دادن مقاصد خودشان ترقی می‌نمایند... و الآن قریب بیست سال می‌شود که در جمیع اروپ [اروپا] منتشر شده‌اند. ... نویسنده در توضیح "اصل مقصود این گروه از جمله می‌نویسد می‌خواهند فقر و عمله در کل اموال مردم مشترک سازند و از این راه معیشت و سعادت حال فقرا و زنجبران را خاطرجمعی دهند و در این خصوص مؤلفین بسیار تالیفات بی‌شمار نوشته‌اند."

گرچه عقیده محققان درباره تاریخ دقیق آغاز جنبش سوسیال‌دموکراسی در ایران مختلف است، اما همگی در این‌پاور شریک‌اند و آن هم این است که "اجتماعیون‌عامیون" اولین حزب نسبتاً متشکل در ایران بود که نقشی فعال در تدارک و برپایی انقلاب مشروطیت (۱۲۸۴-۱۲۹۰) داشت. فعالان جنبش سوسیال‌دموکراسی انقلابی، مانند اسدالله غفارزاده و دیگران کوششی فراوان در راستای انقلاب مشروطیت داشته‌اند.

در این دوران بود که با تأثیر پذیرفتن از دیدگاه‌ها و اندیشه‌های مارکسیستی، در شهرهای بزرگ ایران- به‌ویژه در تبریز، تهران، و اصفهان- سازمان‌های سیاسی‌ای زیرزمینی شکل گرفتند تا توده‌های مردم را بسیج و به مسیر انقلاب هدایت کنند. جنبش سوسیال‌دموکراسی در ایران پس از شکست انقلاب مشروطیت و بعد از آن یعنی در طی جنگ جهانی اول، چه در ایران و چه در مهاجرت (در اروپای غربی و به‌ویژه در روسیه)، فعالیتش را ادامه داد. اوایل جنگ جهانی اول گروهی از مجاهدین "اجتماعیون‌عامیون" و کارگران معادن نفت باکو، به‌رهبری اسدالله غفارزاده (صدرمیرزا اقوام) کاتب، بهرام آقاییف، باباشام زاده، رستم کریم‌زاده، سیف‌اله ابراهیم‌زاده، و دیگران، که تظاهرات و میتینگ‌های اعتراضی کارگران را تشکیل می‌دادند، خود را گروه "عدالت" نامیدند.

در میان آن‌ها گروهی سیاسی بود که "علی‌مسیو"، از روشنفکران برجسته تبریز، در سال ۱۸۹۸ (۱۲۷۷ ش) تشکیل داد. این سازمان بعدها به یکی از قدرتمندترین مراکزهای مبارزه ضداستبدادی تبدیل شد. نخستین بار کارگران ایرانی‌ای که برای کارهای فصلی به قفقاز و مناطق آسیایی روسیه می‌رفتند، به‌ویژه برای کار در صنعت نفت باکو (بیشتر از نیمی از کارگران میدان‌های نفتی باکو، ایرانی بودند)، سوسیال‌دموکراسی را به ایران آوردند. انقلابی‌های ایرانی‌ای بزرگ همچون حیدر عموآغلی (از رهبران برجسته انقلاب مشروطیت و دبیرکل حزب کمونیست ایران) از میان این کارگران برخاستند. در سال ۱۹۰۴، گروه سیاسی "همت" در باکو پایه‌گذاری شد تا فعالیت‌های

انقلابی سوسیال‌دموکرات‌ها را بین زحمتکشان آذربایجان و دیگر ایرانیان سازمان‌دهی کند. در همان سال، علی‌مسیو اعلامیه‌ها و جزوه‌هایی را که در شعبه‌های باکو، تقلیس، و تبریز "حزب کارگران سوسیال‌دموکرات روسیه (بلشویک)" منتشر می‌شد، نه‌فقط در آذربایجان و دیگر نقاط ایران، بلکه



شهریور ۱۲۹۹ اولین کنگره بزرگ رهبران حزب کمونیست کشورهای آسیایی و آفریقایی تحت عنوان «کنگره ی ملل ستمدیده ی مشرق زمین» که با حضور لنین در شهر باکو برگزار شد. حیدر عموآغلی رهبری هیأت کمونیست های ایرانی را بر عهده داشت.

پس از ترجمه کردن آن‌ها به عربی، در شهرهای بغداد و کاظمین (در عراق) نیز پخش می‌کرد. نسخه‌های نشریه "ایسکرا"، ارگان مرکزی حزب بلشویک‌ها، در فاصله سال‌های ۱۹۰۱ تا ۱۹۰۲، از طریق باکو به تبریز فرستاده می‌شدند. عملیات ارسال ایسکرا را خود لنین و همسرش کروپسکایا سازمان‌دهی می‌کردند. اصطلاح سوسیال‌دموکراسی را نخستین بار گروه "همت" به "اجتماعیون‌عامیون" ترجمه کرد تا معنای آن از سوی زحمتکشان ایرانی که با زبان‌های اروپایی آشنایی نداشتند فهمیده شود. حیدر عموآغلی وقتی که در سال ۱۹۰۴ از روسیه به ایران بازگشت، همراه با برخی از رفقاییش، نخستین هسته‌های سوسیال‌دموکرات‌های انقلابی را در شهر مشهد تشکیل داد. یک سال بعد و در استانه انقلاب مشروطیت، نخستین سند رسمی جنبش سوسیال‌دموکراسی ایران در جلسه‌ای در مشهد به‌تصویب رسید. پس از شکست انقلاب مشروطیت (برآمدن استبداد صغیر) و سپس در جریان جنگ جهانی اول (۱۹۱۴)، سوسیال‌دموکرات‌های ایرانی به فعالیت‌های انقلابی‌شان هم در ایران و هم در تبعید ادامه دادند. پس از پیروزی انقلاب فوریه ۱۹۱۷ روسیه و سرنگون شدن رژیم تزاری، انقلابی‌های ایرانی‌ای که به روسیه مهاجرت کرده بودند امکان پیدا کردند تشکیلات‌شان را علنی کنند، فعالیت‌های‌شان را شدت بخشند، و دفترهای حزبی و مراکز کارگری برای خود برپا کنند. حزب سوسیال‌دموکرات "عدالت" ایران در ماه مه ۱۹۱۷ در شهر باکو تأسیس شد و برنامه‌اش به دو زبان فارسی و آذری منتشر گردید. در بخش فارسی سند برنامه حزب عدالت، صفحه ۱۲، آمده است: "یکی از خواست‌های [حزب] عدالت تغییر و تحول زندگی و مناسبات اجتماعی بر پایه سوسیالیسم است تا بتوان به استمرار زحمتکشان توسط آن‌هایی که بر جامعه حکومت می‌کنند پایان داد."

نخستین کنگره حزب سوسیال‌دموکرات "عدالت" ایران در تیرماه ۱۲۹۹ (ژوئن ۱۹۲۰)، در زلی، "حزب کمونیست ایران" را بنیاد گذاشت. به‌طورکلی سیر اوضاع سیاسی در جامعه در آغاز تشکیل حزب کمونیست ایران را می‌توان به‌این شکل خلاصه کرد که، پس از ناکامی‌های قیام‌های شمال کشور، تا مدتی به‌طورعموم روحیه ضد استعماری بر کشور تسلط دارد و منافع محدود طبقه‌ها و قشرهای مختلف تحت‌الشعاع این روحیه قرار می‌گیرد. در اثر این وضع، سازمان‌هایی وسیع از نیروهای ضد استعماری در نقطه‌های مختلف کشور- به‌خصوص در نقطه‌هایی نظیر قزوین، همدان، کرمانشاه، و جز این‌جاها- وجود دارند. این سازمان‌ها، بازمانده‌های حزب‌های گوناگون سابق (مانند: دمکرات‌ها، سوسیال‌دمکرات‌ها، و جز این‌ها) بودند که بنا بر ویژگی‌های محل و سابقه متکثران‌شان، شکل و نامی خاص به‌خود گرفته‌اند. حزب کمونیست ایران، از زمانی که مرکزیتش را به تهران منتقل می‌کند، کار در بین این تشکلهای پراکنده را در برنامه‌اش قرار می‌دهد. حزب کمونیست ایران به‌دلیل نداشتن کادرهای ورزیده، هنوز توان رهبری این جنبش‌های پراکنده را در خود ندارد، اما ارتقای سطح این تشکلهای مدنظر خود قرار می‌دهد، و در نتیجه، به‌منظور به‌وجود آوردن وحدت تشکیلاتی و بالا بردن توان نظری (تئوریک) این تشکلهای ضد استعماری، نخست روزنامه "حقیقت"، سپس روزنامه "کار"، و به‌دنبال آن‌ها روزنامه‌های محلی‌ای مثل روزنامه "صحیح" قزوین، "پیک رشت"، و روزنامه‌های محلی (ولایتی)‌ای دیگر را منتشر می‌کند. در این دوره، حزب ترقی‌خواه و مبارز دیگری که به‌شدت زیر تأثیر انقلاب اکتبر بوده، به‌رهبری شخصیت بنام انقلاب مشروطه یعنی

ادامه به استقبال صدمین سالگرد تأسیس ...

رفقا!

به‌گواهی تاریخ صدساله اخیر، کمونیست‌ها و حزب توده ایران در انجام شدن تغییرهایی سیاسی، فرهنگی، و اجتماعی در میهن‌مان ایران، نقشی یگانه و تاریخی‌ای داشته‌اند که هیچ تلاش تبلیغاتی‌ای از سوی ارتجاع و بلندگوهای رسانه‌های امپریالیستی توان نفی آن را ندارد و بنا بر این تلاش‌های است مذبحخانه، در نتیجه کار کمونیست‌ها و خصوصاً مبارزان توده‌ای بوده است که آموزش‌های مارکس و لنین و دیگر آثار و نوشته‌های جنبش انقلابی جهان به‌فارسی ترجمه و به‌طور گسترده در ایران منتشر و پخش شد. غنای نظری و اجتماعی حزب ما و پایگاه مردمی عظیم آن در سال‌های دهه‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ و سپس در نبرد انقلاب بهمن ۵۷ آن چنان بوده است که حتی دشمنان و مخالفان حزب نیز به آن اعتراف می‌کنند. نفوذ اندیشه‌های حزب در بین روشنفکران و تأثیر پایگاه مردمی آن در ارتقای خواست‌ها و انسجام جنبش طبقه کارگر و دیگر طبقه‌ها و لایه‌های زحمتکش کشورمان را بسیاری از ناظران بی‌غرض جامعه و تاریخ ایران اذعان کرده‌اند. برخی از برجسته‌ترین آثار مارکسی از سوی حزب توده ایران منتشر شده‌اند که عبارتند از: ترجمه آثار کلیدی‌ای از مارکس و انگلس و از جمله "سرمایه" [کاپیتال] به ترجمه رفیق ایرج اسکندری، بخش بزرگی از آثار لنین به ترجمه رفیق جان‌باخته محمد پورهرمان، دو کتاب مرجع "ماتریالیسم دیالکتیک" و "ماتریالیسم تاریخی" نوشته رفیق جان‌باخته هوشنگ ناظمی (امیر نیک‌آیین)، آثاری مهم در زمینه‌های اقتصاد سیاسی و امپریالیسم نوشته رفقا: فرج‌الله میزانی (جوانشیر) و رفعت محمدزاده (اخگر)، از اعضای کمیته مرکزی و هیئت سیاسی حزب که از سوی رژیم جمهوری اسلامی اعدام شدند، بنیان‌گذاری تاریخ‌نگاری نوین مردمی در ایران به‌وسیله رفیق جان‌باخته عبدالحسین آگاهی و رفقا: رحیم نامور، و حسن قزلچی (در زمینه تاریخ خلق گرد)، انتشار آثاری کلیدی در زمینه جنبش‌های بخش زنان از ستم جنسی به‌قلم رفقا: زنده‌یاد ملکه محمدی و مریم فیروز، و چاپ و نشر آثاری مهم و برجسته در زمینه‌های ایدئولوژی و تئوری مارکسیسم، زبان‌شناسی، و تاریخ با قلم توانای رفیق احسان طبری و همچنین آثاری ارزنده از رفیق قهرمان رحمان هاتقی (مهرگان) که زیر شکنجه‌های وحشیانه رژیم ولایت فقیه جان باخت. به‌علاوه، چهره‌هایی همچون علی امید، شناسایی، معلم، حسین پور تبریزی، و دیگران، نقشی درخشان در جنبش سندیکایی ایران داشته‌اند و در تاریخ مبارزات معاصر جنبش کارگری و کمونیستی میهن ما ماندگارند.

کوتاه سخن: انتشار صدها کتاب و جزوه علمی، نشریه‌ها و مجله‌های پرمتن‌های سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی، نشر گسترده اندیشه‌ها و آموزه‌های دوران‌ساز مارکسیسم-لنینیسم در جامعه، سازمان‌دهی سندیکا‌های کارگری و دهقانی، سازمان‌دهی فعالیت‌های صنفی دانشجویی و ایجاد تشکلهای پیشرو در راه‌های زنان میهن از چنگال واپس‌گرایی و ستم جنسی و طبقاتی، طرح برنامه‌هایی انقلابی و مبارزه برای به‌رسمیت شناخته شدن حقوق کارگران و تصویب قانون کار، مبارزه برای اجرای اصلاحات ارضی به‌نفع دهقانان، مبارزه برای دستیابی زنان میهن به حق انتخاب شدن و انتخاب کردن، کوشش به‌خاطر بهره‌مند شدن همگان از اجتماعی، تحقق حق خودمختاری برای همه خلق‌های کشورمان در چارچوب ایرانی آزاد و یگانه، مبارزه به‌خاطر آزادی فعالیت حزب‌ها و جمعیت‌های صنفی، در زمره دیگر اندیشه‌ها و کارزارهایی دوران‌ساز بودند که نخستین بار از سوی کمونیست‌ها خصوصاً حزب ما در میهن‌مان در شکل و محتوایی سازنده و خلاق مطرح شدند و از استقبال گسترده جامعه برخوردار شدند. در راه جامعه عمل پوشاندن به این اندیشه‌ها و به‌بار نشستن این تلاش‌ها، هزاران توده‌ای و همچنین نیروهای مترقی مبارزه‌ای متشکل را سازمان‌دهی کردند.

نشست وسیع کمیته مرکزی حزب توده ایران، رهبری حزب را موظف می‌کند که در گرامی‌داشت صدمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست ایران در خلال یک سال آینده مجموعه‌ای از برنامه‌های تبلیغی و ترویجی ازجمله انتشار کتابی به‌این مناسبت را سازمان‌دهی کند.

نشست وسیع کمیته مرکزی حزب توده ایران
اسفندماه ۱۳۹۸

سلیمان میرزا اسکندری، و آن، حزب "اجتماعیون" (معادل فارسی "سوسیالیست") نام دارد که بر مبنای گرایش‌های قشرهای میانه جامعه شکل گرفته است. همکاری‌ای بسیار نزدیک میان حزب کمونیست ایران و حزب اجتماعیون به‌وجود آمد. نزدیکی و وحدت کاری میان این دو حزب به‌نحوی است که بارها کنسول بریتانیا در ایران در گزارش‌هایی که در این دوران برای وزارت خارجه کشور متبوعش می‌فرستد این دو حزب را با هم اشتباه گرفته است. در آن هنگام جوانان روشنفکر کشورمان برای ایجاد جمعیت‌هایی فرهنگی، ادبی، و نمایشی ذوق و شوق مخصوصی از خود بروز می‌دادند. در برخی از شهرها، صرف‌نظر از سازمان‌های سیاسی، چنین جمعیت‌هایی نیز به‌وجود آمده بودند. مهم‌ترین این جمعیت‌ها عبارت بودند از: "جمعیت فرهنگ" در رشت، "انجمن پرورش" در قزوین، "جمعیت فرهیخت" در بندر انزلی، و "پیک سعادت نسوان [زنان]" و "نسوان [زنان] وطنخواه" در تهران. در تمام این تشکلهای، حزب اجتماعیون و حزب کمونیست ایران نقشی برجسته داشتند. سال‌های پیش از تشکیل حزب کمونیست ایران یعنی سال‌های دهه ۱۲۹۰ همچنین با رشد جنبش کارگری و شکل‌گیری اعتصاب‌های کارگری همراه است. در این حرکت‌ها، کارگران خواستار حقوق خود ازجمله حق ۸ ساعت کار در هفته بودند. رفیق آگاهی در کار تحقیقی‌اش در این زمینه یادآور می‌شود که، در سال ۱۲۹۹ خورشیدی "شورای مرکزی اتحادیه‌های کارگری تهران" پدید آمد که در تاریخ جنبش کارگری و اتحادیه‌ای اهمیت به‌سزا داشت. همین شورای مرکزی اتحادیه‌های کارگری تهران، بعداً توسعه یافت و اتحادیه‌های کارگری دیگر شهرها نیز به آن می‌پیوستند. بر اساس منابع آماری گوناگون، در دی‌ماه ۱۳۰۰، در تهران با بیش از ۲۰۰ هزار نفر جمعیت، ۱۰ اتحادیه کارگری با حدود ۱۰ هزار نفر عضو فعالیت می‌کرده‌اند. در تبریز با حدود ۲۰۰ هزار نفر جمعیت، اتحادیه‌های کارگری و صنفی در حدود ۳ هزار نفر عضو داشته‌اند. در رشت با حدود ۴۰ هزار نفر جمعیت، اتحادیه‌های کارگری در حدود ۳ هزار نفر عضو داشتند. در انزلی و حومه اتحادیه کارگران ماهیگیری ۳ هزار نفر عضو داشت که ۳۰ درصد آن کارگران روسی بودند. در عین حال، در بندر انزلی کارگران بندر نیز اتحادیه خودشان را داشته‌اند با حدود ۲۰۰ نفر عضو. در دیگر شهرهای ایران نیز اتحادیه‌های کارگری و صنفی به‌تدریج به‌وجود می‌آیند. در این دوره در نتیجه سازمان‌دهی و رهبری اتحادیه‌ها، جنبش اعتصابی گسترش یافت و اتحادیه‌های کارگری توانستند اوایل سال ۱۳۰۰ چندین اعتصاب پیرومند را سازمان دهند. از جمله آن‌ها ایند اعتصاب کارگران چاپخانه‌های تهران، اعتصاب کارگران نانوايي‌های تهران، اعتصاب کارگران کارخانه‌های ریسندگی تهران، اعتصاب کارگران بندر انزلی و جز این‌ها، که به‌طور کلی جنبه اقتصادی داشتند. پس از استقرار حکومت دیکتاتوری رضاخان در سال ۱۳۰۴، حمله‌های نیروهای ارتجاعی بر ضد جنبش کارگری و اتحادیه‌ای بعدی تازه و گسترده‌تر پیدا کرد. در همین سال ۱۳۰۴ و در استانه انتخابات مجلس شورای ملی، شورای مرکزی اتحادیه‌های کارگری تهران به‌فرمان رضاشاه منحل گردید و کارزاری گسترده بر ضد کمونیست‌ها و نیروهای چپ آغاز شد. سرانجام، در سال ۱۳۱۰، رضاشاه قانونی ننگین را از تصویب مجلس دست‌نشانده‌اش گذراند که بعدها به "قانون سیاه" معروف شد. مطابق این "قانون سیاه" ضد کمونیستی، هرگونه فعالیت کمونیستی در ایران ممنوع شد. در همین سال است که دکتر تقی ارانی در جمع رهبری حزب کمونیست ایران جای می‌گیرد. رهبری جدید حزب کمونیست که هدفش متحد کردن رده‌های تشکیلاتی حزب بود، در اوایل سال ۱۳۱۱ نشریه "دنیا" - که در واقع نشریه سیاسی و تئوریک کمونیستی بود - آغاز به انتشار کرد که و نخستین بار "جهان‌بینی ماتریالیستی" را در جامعه به‌شدت مذهبی و عقب‌نگه‌داشته شده ایران مطرح کرد. پلیس رضاشاه در سال ۱۳۱۵، دکتر ارانی و گروهی از رهبران و کادرهای حزبی را دستگیر کرد که بعدها به "گروه ۵۳ نفر" شهرت یافتند. بازداشت این ۵۳ نفر در عمل به از هم پاشیده شدن حزب کمونیست ایران منجر شد. چندی بعد موتور محرک حزب یعنی دکتر ارانی در زندان رضاشاهی و بر اثر شکنجه‌هایی که شده بود جان باخت.

پس از آنکه نیروهای متفقین رضاشاه را از قدرت برکنار کردند و افراد گروه ۵۳ نفر و دیگر زندانیان سیاسی به‌دلیل شکسته شدن یخ فضای دیکتاتوری از زندان آزاد شدند، در مهرماه ۱۳۲۰ حزب توده ایران، در مقام حزب طبقه کارگر ایران و ادامه دهنده راستین راه حزب کمونیست ایران و انقلابی‌های سترگی همچون حیدر عموآوعلی و دکتر تقی ارانی، بنیاد نهاده شد و به عرصه فعالیت پا نهاد و بار دیگر پرچم ظفرنمون رزم طبقه کارگر و زحمتکشان را در میهن ما به‌هتزاز درآورد.



بیانیة حزب توده ایران: تاریک اندیشی، بی کفایتی، و دروغ گویی سران جمهوری اسلامی در برخورد با خطر جدی همه گیری ویروس کرونا

نگرانی از شیوع و همه گیری ویروس کرونا در ابعاد گسترده بسیاری از کشورهای جهان را فراگرفته است. بر اساس آخرین برآوردهای سازمان جهانی بهداشت، تا کنون بیش از ۸۰ هزار نفر در جهان به این ویروس مبتلا شده اند و بیش از ۲۷۰۰ نفر بر اثر ابتلا به این ویروس جان باخته اند. در بسیاری از کشورهای جهان و به ویژه در شهرهایی که خطر ابتلا به این ویروس افزایش یافته است، مدرسه ها، دانشگاه ها، ورزشگاه ها، کارخانه ها، و بسیاری از مکان های تجمع بسته شده اند، بسیاری از مراسم و مسابقه ها لغو شده است، و ده ها هزار نفر در قرنطینه نگه داشته شده اند.

سازمان جهانی بهداشت در روزهای اخیر نسبت به افزایش سریع تعداد مبتلایان به ویروس کرونا و بی اطلاعی از میزان دقیق گسترش این ویروس در ایران ابراز نگرانی کرده است. تا کنون هفت کشور جهان، از جمله ارمنستان و گرجستان و عراق و افغانستان و ترکیه، برای حفاظت از مردم خود در برابر شیوع کرونا، مرزهای خود را به روی مسافران و کالاهای ایرانی بسته اند و شماری از شرکت های هواپیمایی خارجی نیز اعلام کرده اند که پروازهای خود به ایران و از ایران را تا اطلاع بعدی قطع کرده اند. این در حالی است که هواپیمایی ماهان ایر ایران خودش اعلام کرده است که "پس از مصوبه هیئت دولت مبنی بر ممنوعیت پرواز به چین، ۹ پرواز باری و مسافربری به شهرهای مختلف چین داشته است."

بی کفایتی سران جمهوری اسلامی ایران در مقابله با این بیماری، دروغ گویی آنها به منظور پنهان کردن ابعاد فاجعه خطرناک انتشار ویروس کرونا در میهن ما، و نبود برنامه ریزی دقیق و امکانات لازم برای مهار کردن همه گیری این ویروس در کشور، بی شک شهروندان میهن ما - و حتی کشورهای دیگر - را با خطرهایی جدی روبه رو کرده است. گفته می شود که شواهدی مبنی بر ورود این ویروس و مبتلا شدن شماری از شهروندان به آن، از هفته ها قبل دیده شده است و سران بی کفایت جمهوری اسلامی به تصور اینکه اعلام این امر ممکن است به میزان شرکت مردم در تظاهرات نمایشی سالگرد انقلاب بهمن ۵۷ یا انتخابات فرمایشی مجلس اسلامی لطمه بزند، خبر آن را عامدانه تا بعد از ظهر روز جمعه ۲ اسفند پنهان نگاه داشته اند. بر اساس آخرین آمار رسمی، شمار مبتلایان به ویروس کرونا ناگهان از ۲ نفر در قم به ۹۵ نفر افزایش یافت و شمار تلفات جانی از مرز ۱۶ نفر گذشت. بسیاری از گزارش های تأیید نشده شمار مبتلایان و تلفات جانی این ویروس خطرناک را بسیار بیشتر از این می دانند. نکته قابل تأمل دیگر اینکه بسیاری از بیمارستان های کشور و پرستاران بدون داشتن امکانات لازم خود در خطر بیماری کرونا قرار دارند. به گزارش ساعد نیوز در روز گذشته نرجس خانعلی زاده پرستار ۲۵ ساله بیمارستان میلاد لاهیجان جان جوانش را وقف بیمارارن کرد و سرانجام خودش هم امروز به دلیل ابتلا به کرونا درگذشت.

در چنین اوضاعی، حسن روحانی، رئیس جمهور اسلامی ایران، پس از شرکت در اولین جلسه "ستاد ملی مبارزه با کرونا" در صحبت هایی که به طور مستقیم از تلویزیون ایران پخش شد، از جمله گفت: "توطئه دشمنان ماست که با هراس افکنی زیاد در جامعه، کشور را به تعطیلی بکشند." این در حالی است که در هفتمین روز انتشار خبر ورود ویروس کرونا به ایران، گزارش شد که ایرج حریرچی، معاون وزیر بهداشت، و محمود صادقی، از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، به این ویروس مبتلا شده اند.

پس از اعلام شیوع ویروس کرونا در قم، وزارت بهداشت خواستار قرنطینه کردن شهر بود که با مخالفت شدید تاریک اندیشان حاکم روبه رو شد. محمد سعیدی، نماینده ولی فقیه در قم، در این مورد گفت: "ما با صراحت اعلام می کنیم که همه قمی ها همکاری با مسئولان بهداشت را مورد توجه قرار می دهند، اما هیچ فردی اجازه نمی دهد تا دشمن فضای قم را ناامن جلوه دهد و ترامپ خائن و مزدوران داخلی آرزوی شکست قم را به گور خواهند برد." علی اکبر حسینی نژاد، مشاور "تولیت حرم حضرت معصومه"، نیز گفت: "تعطیل کردن حرم پیام تلخی دارد. اینجا پناهگاه مردم است و نشستن مردم در

گوشه ای از حرم و صحن، مشکلی پیش نمی آورد." اشاره به این نکته نیز ضروری است که در حالی که نشست مجمع تشخیص مصلحت و دیگر جلسه های حوزوی و غیره به درستی برای جلوگیری از انتقال احتمالی ویروس به حاضران تعطیل شد، اما سران حکومت اسلامی و نیروهای تاریک اندیش برای حفظ درآمدشان از حرم ها و ادامه تحقیق عامه و تلقین خرافات به مردم، با اظهارنظرهای غیرمسئولانه و خرافی، از اعتقادهای مذهبی مردم سوءاستفاده می کنند و جان آنها را به خطر می اندازند.

اوج این تاریک اندیشی و واپس گرایی فاجعه بار در برخورد با خطر جدی ای که مردم میهن ما را تهدید کرده و می کند، موضع گیری ارتجاعی "مراجع تقلید" در قم بوده است. برای نمونه، حسین وحید خراسانی، از مراجع تقلید شهر قم، برای مبارزه با ویروس کرونا توصیه کرد: "هر روز دست خود را روی قلبتان بگذارید و هفت مرتبه سوره حمد را قرائت کنید و نیز هر روز صبح و شب هفت مرتبه آیت الکرسی را قرائت نمایید." و ناصر مکارم شیرازی نیز از مؤمنان خواست که به خاطر مبارزه با ویروس کرونا "شایسته است در تمام خانه ها زیارت عاشورا و حدیث کساء خوانده شود."

برخورد کاملاً سیاسی - عقیدتی سران حکومت ولایی و روحانیت مرتجع با فاجعه سرایت ویروس کرونا، و مدیریت ضعیف و کم اثر دستگاه های دولتی در مقابله با این ویروس خطرناک که به سرعت به شهرهای متعدد کشور منتقل شده است، بیش از پیش نشانه بی کفایتی و دروغ گویی حاکمان واپس گرا و تاریک اندیش ایران است. در مقابل اعتقادهای خرافی و ارتجاعی و ضرورت "حفظ نظام" این حاکمان مرتجع، تندرستی و جان هم میهنان ما ارزشی ندارد. سران رژیم ولایی به جای اطلاع رسانی و آگاهی دادن به مردم، شکافتن علمی این بیماری و توضیح دادن وضعیت خطرناک موجود، و آماده کردن مردم برای مقابله با شیوع کرونا به شیوه ای مؤثر، مردم را به خواندن "آیت الکرسی" دعوت و برای آنها نسخه های شرم آور از به اصطلاح "طب اسلامی" تجویز می کنند.

برخورد سران جمهوری اسلامی با پدیده انتشار ویروس کرونا، همچون برخوردشان با شلیک موشک نظامی خودی به هواپیمای مسافربری اوکراینی و سرنگونی آن و کشتار ۱۴۷ نفر از هم میهنان ما، بر پایه دروغ و حفظ "نظام" و منافع حاکمان مرتجع به هر قیمتی استوار است.

بی توجهی به رهنمودهای سازمان جهانی بهداشت و تجربه موفق کشورهای دیگر به منظور کنترل کردن شیوع ویروس کرونا - از جمله بی توجهی به اهمیت قرنطینه کردن مراکز عمومی و تأمین وسایل و تجهیزات و امکانات پزشکی لازم - بی شک پیامدهایی بسیار نگران کننده و خطرناک برای شهروندان میهن ما خواهد داشت. متوقف کردن همه گیری ویروس کرونا تلاشی بین المللی می طلبد. با بسیج افکار عمومی ایران و جهان و اعتراض به سیاست های ناکارآمد جمهوری اسلامی ایران، باید سران حکومت ولایی را به اجرای رهنمودهای بین المللی و انطباق آنها با شرایط خاص ایران به منظور کنترل مؤثر گسترش خطرناک ویروس کرونا واداشت.



مقابله با همه‌گیری کورونا نیاز به شفافیت و تلاش جمعی دارد

بار دیگر میهن ما و مردم ایران با مصیبت دیگری روبرو شدند. این بار ویروسی خطرناک به نام کووید-۱۹ (که اشاره به کورونا، ویروس، بیماری، و ۲۰۱۹ دارد) به جان مردم افتاده است. بر اساس اطلاعات منتشر شده، این ویروس، که عامل بیماری‌های تنفسی حاد و ناگهانی است و علائم ظاهری آن تا حدی شبیه به آنفلوآنزای معمولی است، نخست در شهر ۱۱ میلیونی ووهان در استان هوئی در کشور چین مشاهده شد که در فاصله کوتاهی به شهرهای دیگر چین منتقل شد و گسترش یافت. طبق آمار موجود، تا تاریخ نوشتن این متن (شنبه ۱۰ اسفند)، نزدیک به ۸۷ هزار نفر در سراسر جهان به این ویروس مبتلا شده‌اند که از آن میان، نزدیک به ۸۰ هزار مورد در چین بوده است. پس از چین، کره جنوبی با بیشتر از ۳۵۰۰ مبتلا، و ایتالیا و ایران به ترتیب با حدود ۱۱۰۰ و ۵۹۰ مورد ابتلا به این ویروس، بیشترین موارد ابتلا را دارند. اگرچه تا کنون نزدیک به ۳۰۰۰ نفر در سراسر جهان جان خود را به علت ابتلا به ویروس کووید-۱۹ از دست داده‌اند - که در حدود ۹۴ درصد از آنها در چین بوده است - ولی خوشبختانه به علت واکنش منظم و منضبط و علمی به‌ویژه در چین در مقابله با گسترش این ویروس، میزان کلی مرگ ناشی از این ویروس در سراسر جهان کمتر از ۳/۵ درصد مبتلایان بوده است و به نظر می‌آید که آمار مبتلایان به این ویروس در چین در حال کاهش تدریجی است. طبق آمار رسمی اعلام شده در ایران، شمار تلفات جانی در ایران تا روز شنبه ۱۰ اسفند ۴۳ نفر (۷/۲ درصد مبتلایان) بوده است که متأسفانه پس از شمار تلفات در چین، بیشترین میزان مرگ در کشورهای آسیب‌دیده از این بیماری بوده است. آنچه مهم است، مقابله جهانی با این ویروس برای مهار همه‌گیری آن است و این عرصه‌ای است که همکاری و همیاری همه جهانیان را می‌طلبد، چون چیزی نیست که فقط بخش یا بخش‌های معینی از جامعه‌های معین را هدف بگیرد. مثل ویروس سرماخوردگی و آنفلوآنزا، این ویروس دستگاه تنفسی هنوز داروی معالجه ندارد و مثل باکتری‌ها با آنتی‌بیوتیک قابل درمان نیست. اما بدن خود انسان می‌تواند با آن مقابله و در نهایت آن را دفع کند. به همین دلیل، سالمندان و افراد دارای بیماری‌های مزمن مثل فشار خون بالا یا قند (دیابت) بیشتر از جوانان و افراد سالم در معرض آسیب دیدن از آن قرار دارند. اما می‌شود برای آن واکنش پیشگیری ساخت. به فاصله فقط چند روز از شیوع این ویروس، مقام‌های چینی توالی ژنتیکی این ویروس را یافتند و در اختیار کارشناسان جهان قرار دادند. در روزهای بعد، انستیتو پاستور فرانسه و چند مرجع معتبر دیگر نیز توالی ژنتیکی این ویروس را شناسایی و تأیید کردند. در حال حاضر کارشناسان چند کشور جهان با استفاده از این اطلاعات برای یافتن واکنش مؤثر در مقابل این ویروس مطالعه و پژوهش و آزمایش می‌کنند و تا کنون به نتایج خوبی هم رسیده‌اند و اکنون در حال امتحان برخی داروها بر روی جانورها در آزمایشگاه‌ها هستند. ولی تا رسیدن به نتیجه قطعی و تهیه و توزیع داروی مؤثر، هنوز راه درازی در پیش است و فعلاً تنها راه مؤثر، رعایت اقدام‌های احتیاطی و پیشگیرانه است. در صورت نبود مراقبت و نظارت و پیشگیری کافی، این خطری است که می‌تواند کل بشر روی کره زمین را به طور جدی تهدید کند. خوشبختانه در قرن بیستویکم دستاوردهای علمی و فناوری بشر در حدی است که امکان برای مقابله با چنین همه‌گیری‌هایی زیاد است، و فقط باید به‌طور منصفانه و با مدیریت علمی و با اتکا به شیوه‌های پزشکی مناسب، در اختیار همگان قرار بگیرد. در این میان، پزشکان و پرستاران و بهیاران و کارشناسان آزمایشگاهی، و کارشناسان ایمنی‌شناسی و همه‌گیری و دانشمندان ویروس‌شناسی و... نقش و وظیفه مهمی به عهده دارند. از آنچه تا کنون در چین و ایران و دیگر کشورهای جهان دیده شده است چنین برمی‌آید که این متخصصان علمی و کاربردی با تمام وجود و متعهدانه به وظیفه خود عمل کرده‌اند و دانش و مهارت خود را در خدمت نجات مبتلایان به بیماری به کار برده‌اند. متأسفانه کورونا از میان این زحمتمکشان نیز قربانیانی گرفته است، از جمله پزشکان و پرستارانی در چین و ایران که جان خود را در راه خدمت به مردم از دست داده‌اند.

مدیریت این بحران نیز عامل مهمی است که در کشورهای گوناگون موفقیت‌ها و دشواری‌ها و کمبودهایی جدی داشته است. در چین موفق شدند قرنطینه وسیعی را اعمال کنند و اکثریت مردم نیز داوطلبانه و با اعتماد به مسئولان کشور، به دستورهای مسئولان برای حفظ جان مردم و مهار گسترش

بیماری گوش دادند و با آنها همکاری کردند. میزان اعتماد مردم به دولت و مسئولان پزشکی و درمانی و اطلاع‌رسانی، عامل مهمی در همکاری جمعی در چین در مقابله با این ویروس خطرناک بوده است. دولت چین حتی تا آنجا پیش رفت که برای رفاه مردم و گذران زندگی، امکان تحویل غذا و دارو به محل زندگی (و قرنطینه) مردم را فراهم کرد که همچنان نیز ادامه دارد.

در ایتالیا نیز میزان گسترش ویروس وسیع بوده است و متأسفانه از میان ۱۱۲۸ نفر مبتلایان به این ویروس تا روز شنبه گذشته، ۲۹ نفر (در حدود ۲/۶ درصد) جان خود را از دست داده‌اند. در بخش‌هایی از ایتالیا نیز قرنطینه کردن مردم اعمال شده است تا بتوانند از گسترش انتقال ویروس تا حد ممکن جلوگیری کنند.

متأسفانه در جمهوری اسلامی ایران مدیریت بحران بسیار ضعیف بوده است، و میزان اعتماد عمومی به دولت و حکومت به اندازه‌ای پایین است که هماهنگی فعالیت‌های احتیاطی و پیشگیرانه در روزهای اول اعلام ورود این ویروس به ایران چندان موفقیت‌آمیز نبود. وقتی که در اعلام ورود ویروس به ایران به خاطر مصحلت سیاسی (راه‌پیمایی ۲۲ بهمن و برگزاری انتخابات) تأخیر می‌شود - که موجب خشم مردم شد، وقتی که پروازهای شرکت هواپیمایی ماهان پس از اعلام لغو پروازها به چین باز هم ادامه پیدا می‌کند، یا وقتی که ولی فقیه موضوع را کوچک قلمداد می‌کند، رئیس‌جمهور اول مسئله را "توطئه" می‌داند و بعد شرایط را "از روز شنبه" تحت کنترل اعلام می‌کند و دو روز بعد وزیر بهداشت او می‌گوید "نقطه اوج" اصلی بیماری در هفته آینده است، یا وقتی که معاون وزارت بهداشت، یک روز پیش از اعلام اینکه مبتلا به ویروس کووید-۱۹ شده است، در مصاحبه تلویزیونی‌اش بارها سرفه کند بدون اینکه جلوی دهانش را بگیرد، و با وجود احساس بیماری، بدون رعایت احتیاط و پیشگیری بهداشتی در نشست خبری سخنگوی دولت حاضر می‌شود و صحبت می‌کند، طبیعی است که اعتماد مردم به مسئولان کشور زایل می‌شود. عدم اعتماد به مسئولان و مدیران ایران به خود ایران نیز محدود نشد. از آنجا که مسافران ایرانی یکی از عوامل انتقال ویروس به کشورهای دیگر به‌ویژه در خاورمیانه و حتی تا کانادا و نیوزیلند بودند، بیشتر از ده کشور همسایه ایران برای حفظ جان شهروندان خود، از جمله تصمیم به بستن مرزهای (هوایی و غیره) خود با ایران گرفتند تا از انتقال ویروس از ایران به کشورشان جلوگیری کنند. آمریکا هم اعلام کرد که محدودیت‌هایی برای مسافران از ایران (و کره جنوبی و ایتالیا) اعمال خواهد کرد.

با وجود این، به لطف اطلاع‌رسانی کارشناسان داخلی (از جمله ترجمه دستورالعمل عمومی پیشگیری از ابتلا به کووید-۱۹ از زبان چینی توسط مدیر و دانشجویان گروه چینی دانشکده زبان دانشگاه تهران) و نهادهای بین‌المللی مثل سازمان جهانی بهداشت وابسته به سازمان ملل متحد - که جزوهای را به دو زبان فارسی و انگلیسی برای آگاهی‌رسانی در مورد این ویروس منتشر کرد - دسترسی به شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های مجازی، خوشبختانه اطلاعات مفید زیادی توسط کارشناسان علمی کاردان در اختیار مردم ایران گذاشته شده است که بی‌تردید تأثیر مثبتی در مقابله با وضع موجود دارد. آنچه در این میان گاه موجب سردرگمی شده است، انتشار و پخش اطلاعات بی‌پایه و اساس و شایعه‌مانند در مورد بیماری و راه‌های "درمان" یا مقابله با آن، دستورهای ضدعلمی و خرافی برخی از اسلام‌گرایان تاریخ‌اندیش در ایران (و انواع مذهبی‌ها در کشورهای دیگر)، و از همه بدتر، پنهان‌کاری مسئولان حکومتی و سیاسی - امنیتی کردن مسئله بوده است که مثل همیشه با انکار شروع شد و سپس با پیام‌های سردرگم و متناقض و دادن آمارهای نادرست و غیرقابل اعتماد ادامه یافت. کوتاهی عمدی مسئولان حکومتی و خرافه‌پرستان

بیانیه حزب توده ایران: نتیجه انتخابات فرمایشی، پاسخ قاطع مردم به ولی فقیه و حکومت ورشکسته جمهوری اسلامی

یازدهمین دوره "انتخابات" مجلس شورای اسلامی روز جمعه ۲ اسفندماه با شکست قاطع و "نه تاریخی" مردم به رژیم فاسد و دیکتاتوری حاکم بر میهن مان پایان یافت. بر اساس اعتراف عبدالرضا رحمانی فضلی، وزیر کشور دولت روحانی، ۴۲/۵۷ درصد از واجدان شرایط رأی دادن، در این انتخابات شرکت کردند. حتی در صورتی که این امار را نزدیک به واقعیت بدانیم، این میزان مشارکت در انتخابات کمترین درجه از میزان مشارکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی در تاریخ چهل ساله جمهوری اسلامی است. درحالی که میزان شرکت واجدان شرایط رأی دادن در استان مرکزی و تهران بسیار کمتر از ۴۲/۵۷ درصد گزارش شده است، چندان که در تهران این میزان کمی بیش از ۲۵ درصد است. علی شکوری راد، دبیرکل حزب "اتحاد ملت"، با قیاس کردن میزان آرای مرتضی آقانهانی طی سال‌های ۹۴ و ۹۸، در حساب تویتر خود نوشت: "مرتضی آقانهانی در سال ۹۸ با ۸۶۸/۰۲۵ رأی نفر سوم شده است در حالی که در سال ۹۴ با ۸۸۴/۰۳۳ رأی نفر سی‌ودوم شده بود. یعنی با اینکه رأی ایشان کم شده ولی از رتبه ۳۲ به رتبه ۳ رسیده است!"

پاسخ قاطع مردم به رهبران رژیم از این نظر حائز اهمیت است که علی خامنه‌ای به صورت مستقیم و در دو نوبت متفاوت از مردم خواست که حتی اگر هم مخالف او هستند اما به خاطر منافع ایران در انتخابات شرکت کنند. خامنه‌ای درست پیش از برگزاری این انتخابات در سخنرانی‌اش در استان آذربایجان شرقی، انتخابات مجلس شورای اسلامی را "جهاد عمومی" و "جشن ملی" نامید و مجدداً از مردم خواست تا در انتخابات شرکت کنند. رحمانی فضلی در توجیه این شکست سنگین رژیم، از جمله گفت: "ما هم ورود بیماری کرونا را داشتیم و هم شرایط سیاسی و مسائلی مثل سقوط هوایما، حوادث آب‌ان و دی را داشتیم و در این شرایط این میزان حضور و مشارکت مردم کاملاً قابل قبول است." البته منظور او از "این میزان حضور و مشارکت مردم"، بسیار اندک بودن شرکت مردم در این انتخابات است!

با توجه به پاک‌سازی گسترده نامزدهای انتخاباتی و حتی رد صلاحیت نامزدی نمایندگان گوش به فرمان ولایت در مجلس دهم که شاید به اندازه کافی "در ولایت ذوب نشده بودند"، نتیجه این نمایش فرمایشی انتخابات را از هفته‌های پیش روشن می‌ساخت. اینکه مه‌ره فاسد و جنایتکاری مانند قالیباف که افتخارش چماق‌کشی در کف خیابان و کشتار دانشجویان کشور در تیرماه ۱۳۷۸ بوده است و بیش از ۸۰۰ پرونده کلاهبرداری و فساد مالی‌اش نزد قوه قضائیه رژیم باز است "منتخب" اول تهران می‌شود، بیش از هر چیز از ماهیت عمیقاً فاسد و تاریک‌اندیش حکومتی حکایت می‌کند که وضعیت اقتصادی و سیاسی و اجتماعی میهن ما را چنین فاجعه‌بار و دردناک کرده است. به راستی که براننده چنین رژیمی هم این است که جانی خون‌ریزی همچون رئیسی مسئول قوه قضائیه‌اش باشد و فاسد لمپنی همچون قالیباف نماینده اول آن در مجلس و به احتمال زیاد رئیس اتی قوه مقننه‌اش گردد.

حرکت مشترک اکثریت قاطع نیروهای مردمی و آزادی‌خواه کشور به همراه شماری از اصلاح‌طلبان رادیکال و نیروهای ملی-مذهبی در تحریم گسترده انتخابات نشان داد که می‌توان با هماهنگی و اتفاق نظر رژیم ولایت فقیه را با چالش‌هایی جدی روبرو کرد. نتیجه انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی درسی شایسته آموختن برای همه ماست. از این تجربه به منظور سازمان‌دهی و پیش‌برد مبارزه مردم در مسیر طرد کامل رژیم ولایت فقیه باید بهره جست و زمینه را برای حرکت‌های متحد بعدی در مخالفت و مقاومت با حکومت استبدادی حاکم آماده ساخت.

حزب توده ایران
۵ اسفندماه ۱۳۹۸

ادامه ویژگی های جهان خطرناکی که در آن ...

عزت، و برابری بیشترند که گواهی است بر توانایی آنان در تفکر در مقام جامعه‌ای از شهروندان، جامعه‌ای مدنی.

در این دوران، وضعیت خشونت در لیبی، یمن، سوریه ادامه دارد. ائتلاف راهبردی‌ای که عربستان، ایالات متحده، مصر، و اسرائیل را به هم پیوند می‌دهد، با اینکه استحکام قبل را ندارد اما نشانی از انحلال در آن به چشم نمی‌خورد. ایالات متحده پس از خروج یک‌جانبه از توافق هسته‌ای با ایران (برجام) و اعمال تحریم‌های شدید اقتصادی بر ضد این کشور، تحریک خطرناک به برافروختن آتش جنگ، و تهدیدهایی تازه برای درگیری به‌میان کشیده است. "طرح ترامپ" برای فلسطین با به‌فراموشی سپردن موجودیت کشور فلسطینی‌ای مستقل، عملاً به آتش درگیری‌ها دامن می‌زند.

در رابطه با ترکیه باید اشاره کرد که دولت این کشور درحالی که به طور فعال از سازمان‌های جهادی حمایت می‌کند، سیاست سرکوبگرانه بی‌سابقه‌ای را هم دنبال می‌کند. جنگی دوباره بر ضد مردم گرد آغاز کرده و به توسعه‌طلبی‌اش در عراق، در سوریه، و به‌ویژه در روزه‌ها در سوریه، و درحال حاضر در لیبی با باز کردن جبهه‌های جدید در شرق مدیترانه، ادامه می‌دهد. شمال قبرس را به طور غیرقانونی در اشغال خود دارد. ترکیه درحالی که برنامه سلطه‌طلبی را در سر می‌پروراند، برای خویش مأموریتی تاریخی متصور است. اردوغان یک جنایتکار است. اردوغان مترادف جنایت است! نشان از عقب‌نشینی نیروهای جهادی دارد، خشونت در این جوامع و جنگ‌های مداوم می‌تواند باعث احیای نیروهای جهادی و تضعیف روند انقلابی شود.

مشروعیت نداشتن جنگ و مبارزه با تقدیرگرایی

ما نبرد ایدئولوژیک را برای اینکه جنگ در هر حالتی ناشروع محسوب گردد باید از سر بگیریم. مسابقه تسلیحاتی امنیت شهروندان را تضمین نمی‌کند. از سال ۲۰۰۱، جنگ‌ها چندین برابر شده‌اند (جنگ در لیبی، در سوریه، در یمن، در ساحل ...) و راه‌حل نظامی هم کاملاً شکست خورده است. بنابراین باید سیاست‌های جایگزین تدوین شوند. قدرت‌های قدیمی دیگر نمی‌توانند قوانین‌شان را به دیگر نقاط جهان تحمیل کنند، زیرا جهان به شدت تغییر کرده است. ایالات متحده، پس از آنکه در همه‌جا ریشه دوانید، کاهش نفوذ را در خاورمیانه شاهد است. تنش‌ها با ایران، اگرچه رنج‌های مردم ایران را تشدید می‌کند، به‌زانو درآوردن رژیم کم سرکوب نیروهای آزادی‌خواه را تشدید می‌کند، باعث نخواهد شد.

سرانجام، جهانی‌سازی [آن‌گونه که ما در نظر داریم] ارزش‌های عام بشری را که طبیعتاً از هم تفکیک‌ناپذیرند و به طور فزاینده‌ای به همکاری و همبستگی نیاز دارند، دائماً خلق می‌کند. از این روی، نباید چشم‌اندازی یک‌رویه از جهان در نظر بیاوریم چندان که چنین نگاهی می‌تواند به تقدیرگرایی (فاتالیسم) منجر شود. در بین دولت‌ها، تلاش‌های جنبش‌های مردمی در یافتن راه‌حلی همراه با پیوند و مسالمت‌آمیز وجود دارند و ادامه می‌یابند (مثلاً توافق هسته‌ای؛ یونان / مقدونیه شمالی).

صلح در حکم پروژه‌های سیاسی

همان‌طور که ژان ژورس ۱ تأکید کرد: "تأیید صلح بزرگ‌ترین نبردهاست"، بنابراین صلح پروژه‌های سیاسی در مرکز مبارزات رهایی‌بخش است. این امر مستلزم پذیرفتن و تأیید کردن تقدم راه‌حل سیاسی بر استفاده از زور به‌ممنزله شرط صلح است.

صلح عنصر اساسی هر پروژه جهانی به‌خاطر بشریت است. پاسخی است به شرایط اضطراری آب‌وهوا و خواست برقراری عدالت اجتماعی. و این مستلزم گزیدن و به‌کارگرفتن منطق همکاری، اشتراک، کمک‌های متقابل، و همبستگی است.

این امر به‌ویژه در خاورمیانه و مغرب (کشورهای شمال آفریقا) بدون نظامی‌گری زدایی، از بین بردن سلاح هسته‌ای (اجرای کامل و بدون قید و شرط موافقت‌نامه جهانی "ان پی تی") و کاهش شدید هزینه تسلیحاتی تصورناپذیر است. انحلال ناتو و خنثی کردن جاه‌طلبی ترامپ در پدید آوردن ناتوی "عربی" مورد‌های یاد شده برای پروژه صلح را در بر می‌گیرد. چشم‌اندازی معتبر از جهانی بدون سلاح هسته‌ای (طرح "تی ای ای ان") که پویایی تازه‌ای به‌وجود می‌آورد، از سوی ۱۲۲ کشور به‌منظور تکمیل "ان پی تی" به‌تصویب رسید. متأسفانه فرانسه و ایالات متحده رهبری مخالفت با این طرح را به‌دست گرفتند. تنها چشم‌انداز دوام‌پذیری برای آینده، ادامه حرکت به سمت جهانی است پرمحتوا، با همبستگی بیشتر، متحرک‌تر، و چندجانبه‌گرایی‌ای تازه که امکان ادغام کشورها در فضای جهانی را بر مبنای تساوی در سازمان ملل متحدی دموکراتیک فراهم کند. در این چارچوب است که می‌توانیم به حل‌وفصل مناقشه‌ها، مسائل اقلیمی، توسعه و امور صلح بپردازیم. این همان چیزی است که تعهد انترناسیونالیستی ما را در روبرویی با چالش‌های دورانی که در آن زندگی می‌کنیم بیان می‌کند.

۱. چهره ای درخشان در چپ فرانسه و بنیان گذار حزب سوسیالیست این کشور، صلح‌طلب و انترناسیونالیست برجسته. او یک روز پیش از آغاز جنگ جهانی اول تور شد.

ویژگی های جهان خطرناکی که در آن زندگی می کنیم، افزایش بحران هاست!

ابه قلم پرفسور پاسکال تور، استاد دانشگاه و معاون شعبه روابط بین المللی حزب کمونیست فرانسه]

اوضاع بین المللی با بحران هایی که بشریت را تهدید می کند مشخص شده است. سرمایه داری جهانی شده، نابرابری ها، ناامنی های انسانی، احساس حقارت را تشدید می کند. خشونت، جنگ، منطق قدرت و سلطه منشا مداخله گری است و عملیات نظامی را برمی انگیزد. این ها انقباض دموکراسی را موجب شده، تنوع زیستی و شرایط حیات در کره زمین را به خطر می اندازند.

ایدئولوژی ها و منطق های جنگ

دیرزمانی است که روابط بین المللی زیر سلطه روابط قدرت است که بر پایه نظامی گرای قرار دارد. نظامی گرای زیربنای این شرایط بوده است. تسلط بر پایه قدرت دیگر توان حل مشکلات اقتصادی، اجتماعی، یا زیست محیطی را ندارد. این مسئله در همه جا مشکلاتی که خشونت و آسیب های زیست محیطی را موجب می شوند تشدید می کند. درگیری های کنونی در رقابت قدرت ها کم تر ریشه دارد، بلکه بیشتر در پیامدهای جهانی شدن سرمایه داری ریشه دارد که طبقات مسلط را غنی تر ساخته، قشرهای میانی را از بین برده، و مستمندان را فقیرتر کرده است. جنگ ها از تجزیه و تخریب جامعه ها و دولت ها پدید می آیند. درگیری های امروزی ریشه اجتماعی دارند و بسیج شبه نظامیان را بیشتر موجب می گردد تا بسیج ارتش ها. و این به تجزیه شدن جامعه ها و به ظهور جامعه های خشن و خورنده به جنگ و درگیری کمک می کند. در عین حال، نبرد ایدئولوژیک برای بازسازی و بخشیدن اعتبار مجدد به ایدئولوژی جنگ چند برابر می شود. ادعا می شود که لازم است برای جنگ آماده شویم، هزینه های تسلیحاتی و درگیری های "پیشگیرانه" در خارج از کشور را چندین برابر کنیم تا از امنیت خود که از جمله مواجهه با تهدید تروریسم است دفاع کنیم. نیروهای راست و راست افراطی، گفتمان مبتنی بر دروغ، ترس، ناراضی، و تجلیل از هویت را تغذیه می کنند. آنان کیش و آئین زور را در برابر قانون و دموکراسی ستایش و تمجید می کنند. همه این ها از تعریف و قبول ساختار سلسله مراتبی ای در جهان تغذیه می شوند که در آن الیگارشی ای کوچک از قدرتی که در کلوب های قدرتمندی نظیر "گروه ۷" یا "گروه ۲۰" سازمان دهی می شوند برای دیگر کشورها خارج از چارچوب سازمان ملل تصمیم می گیرد.

موجی تازه از نظامی گرای

با انگیزه و جهت گیری های نولیبرالیستی، به ویژه از مقطع زمانی بحران سال ۲۰۰۸، نوعی پویایی در تجدید نظامی گرای به منظور تحمیل سلطه و ایجاد تغییر در توازن قوا بین قدرت ها، تشدید شده است. هدف، تقویت جهان غرب است که بخش عمده ای از هزینه های نظامی در آنجا متمرکز شده است. جنبشی گسترده به شکلی همبسته به هدف کنار گذاشتن توافق های بین المللی، از جمله از سوی ایالات متحده به ریاست جمهوری ترامپ، در حال قدرت گرفتن است: پیمان هسته ای ایران، پیمان منع گسترش سلاح های هسته ای، پیمان سلاح های هسته ای با برد میانه و کوتاه، موشک های ضد بالیستیک، پیمان جهانی پاریس در رابطه با محیط زیست (کوپ ۲۱) ... تجارت اسلحه به حداکثر رسیده و به جنگ افروزی های بیشتر دامن می زند. در این عرصه فرانسه هم فعال است و نمی خواهد از قافله عقب بیفتد. ماکرون با افزایش بودجه نظامی معادل ۲ درصد تولید ناخالص ملی، طبق دستورالعمل ناتو، دفاع اروپا را در مرکز بازآفرینی پروژه اروپا در شرایط کنونی قرار می دهد. پاریس سومین فروشنده بزرگ اسلحه در جهان است.

خاورمیانه و مغرب در آشفتنی

از زمان مبارزه ضد استعماری، مغرب (کشورهای شمال آفریقا) و خاورمیانه به دلیل جنگ های بی پایان و مداخله مدام خارجی در راستای مشکلات و رنج بی نهایت پیش رفته اند:

درگیری های فلسطین، گردها، صحرا (مراکش)، جنگ ها در افغانستان، عراق / ایران، لبنان، جنگ خلیج فارس. موفقیت آمیز نبودن الگوی دولت- ملت که از سوی نیروهای استعماری تحمیل شده است، عامل اصلی ای بی ثبات کننده در منطقه است که مردمان فلسطین، گردها، و ساکنان صحرای غربی را از حقوق شان محروم کرده است. در سال های دهه ۱۹۸۰، پیروزی نولیبرالیسم، اجماع واشنگتن و برنامه های صندوق بین المللی پول را تحمیل کرد که به تخریب خدمات عمومی و از بین رفتن منابع و ثروت های ملی منجر شد. نخبگان عرب با تمایل به واشنگتن به ملی گرایی و جنبش فلسطین خیانت کردند. خبری از آزادی نشد. نولیبرالیسم برای مردم فاجعه به بار آورد. جامعه های مغرب (کشورهای شمال آفریقا) و خاورمیانه نابرابرترین جامعه های جهان را تشکیل می دهند. سرکوب نیروهای انقلابی از سوی رژیم های اقتدارگرا با حمایت قدرت های غربی، دلگرمی بزرگی برای اسلام گرایی سیاسی بود که همه جا سیاست های نولیبرالی و گرایش های واپس گرایانه و ناپرخانه ای که همه آزادی ها را زیر فشار می گذارد تحمیل کرده است.

فرهنگ صلح را گسترش دهیم، مرحله جدید جهانی سازی

۴۰ سالگی است که نولیبرالیسم قوانین فاجعه بارش را تحمیل کرده است. از زمان بحران سال ۲۰۰۸، مرحله ای تازه آغاز شده است که هدفش آن است که از طریق فعال کردن مجدد بی ثباتی، منطق جنگ و درگیری های مسلحانه در همه جا، هزینه بحران را به دوش مردم بیندازد. این سیاست ها اعتراض هایی گسترده برانگیخته است تا آنجا که می توان گفت به مرحله اعتراض جهانی وارد شده ایم. ... حتی اگر همیشه پیشرو نباشد (نئو ناسیونالیسم، پوپولیسم). این مبارزات با طرد نولیبرالیسم و زیر علامت سؤال قرار دادن سیستم های نمایندگی سیاسی موجود، خواهان تحولات اجتماعی مردمی هستند. این مبارزات نقطه های اتکایی اند در راه پیروزی دموکراسی، احترام به حقوق بشر، و پیش کشیدن گزینه هایی جایگزین برای دنیای صلح آمیز.

"بهار عربی" سقوط دیکتاتوری ها در تونس، مصر، لیبی، و یمن را باعث شد. این پدیده همچنین شوکی بزرگ به بحرین و سوریه وارد کرد، همچنین جنبش های اعتراضی در مراکش، الجزایر، عراق یا سودان را نباید از نظر دور داشت. برخی از این انقلاب ها سریع در دگرگونی های گسترده در نظام های حاکم (یمن، سوریه) را باعث شده اند. دیگر کشورها، ضدانقلاب هایی خونین (از جمله در مصر) را با آمیزه ای از سرکوب، تریق پول از جانب کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، و کسب امتیازهای کموبیش رسمی تجربه کرده اند، در حالی که ترس از برافروخته شدن آتش جنگ های داخلی همچون هشدار به برخی جنبش های اعتراضی بوده است.

موج دوم اعتراض ها در سال ۲۰۱۹ آغاز شد. آنانی که توهم هایی در مورد "ثبات بازیافته" در منطقه داشتند، ناامید شدند. سودان دیکتاتوری عمرالبشیر را سرنگون کرده است. موج گسترده مبارزات اعتراضی که خلافت، رادیکالیسم، و تداوم زمانی ای استثنائی داشته اند در الجزایر در جریان است. با وجود سرکوب وحشیانه، مردم عراق همانند ایرانیان و لبنانی ها قیام می کنند. با همان عبارتهای کلیدی "بیبید همه آنان را از صحنه بروییم". حتی مصریان در ماه سپتامبر به خیابان ها آمدند. همه آنان خواستار دموکراسی، آزادی،

ادامه در صفحه ۱۱

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

آدرس پستی:

B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

<http://www.tudehpartyiran.org>

آدرس های اینترنت و «ای-میل»

E-Mail: dabirkhaneh_hti@yahoo.de

Nameh Mardom No. 1098
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

2 March 2020

شماره فاکس و تلفن
پیام گیر ما

004930
23629727

